

# نخستین کنفرانس ملی ایران شناسی ایران

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳





بازشناسی  
نخستین کنگره ملی ایران شناسی ایران



انجمن ایران شناسی ایران  
تأسیس ۱۳۲۵ - شماره ثبت: ۵۹

ویراستار و صفحه آرا  
محمدعلی عزت زاده

طراح پوستر  
مرتضی شمیسا

# انجمن ایران شناسی ایران



انجمن ایران شناسی ایران  
تأسیس ۱۳۲۵ - شماره ثبت: ۵۹

## هیأت مدیره

رئیس: دکتر محمود جعفری دهقی

نایب رئیس: دکتر زهره زرشناس

دکتر آندرانیک سیمونی

مهندس محمدرضا سحاب

دکتر سعید فیروزآبادی

دکتر جان‌اله کریمی مطهر

محمدعلی عزت‌زاده

## بازرسان

مهندس هرمز خسرویانی

دکتر مجتبی مقصودی

## دبیر

محمدعلی عزت‌زاده

# انجمن ایران شناسی ایران



انجمن ایران شناسی ایران  
تأسیس ۱۳۲۵ - شماره ثبت: ۵۹

## هیأت اجرایی

محمدعلی عزت زاده

زمان رضاخانی  
مینا جاویدان  
مرضیه راشدی  
ماندانا خرم  
ماکان عبداللهی  
هدیه ابوالحسن زاده

علی رضاپور  
دکتر سیما فولادپور  
دکتر پیام شمس الدینی  
یاسمن غنی  
امیرحسین نباتی  
حانیه حسن زاده طباطبایی

## به نام آنکه جان را فکرت آموخت

همه عالم تن است و ایران دل      نیست گوینده زین قیاس خجل  
چون که ایران دل زمین باشد      دل ز تن به بود یقین باشد  
(نظامی گنجوی)

ایران سرزمینی است برآمده از فرهنگ و تمدنی چندهزار ساله با پیشینه تاریخی سه هزار سال تاریخ مدون. روزگاری مدیریت جهانی در دستان توانای مردمان و مدیران این سرزمین بوده است. در درازنای هزاروپانصد سال پیش از اسلام، مکتبی دربردارنده دانش‌های زمان همچون فلسفه، پزشکی و نجوم به کار گسترش دانش و فرهنگ می‌پرداخت. این مکتب که از سوی گروهی از روحانیون یا مغان در عهد مادها با به هم پیوستن سه تمدن ساکنان فلات ایران با مهاجران آریایی و همسایگان میانرودانی بنیاد نهاده شده بود توانست، حکمت ایرانی شهری را در خود پیروانند و آنگاه که ایران در عصر هخامنشی از برتری و توانایی سیاسی بیشتری برخوردار بود، آن حکمت را به مغرب‌زمین انتقال دهد. حاصل این تکاپوی علمی و فرهنگی در عهد ساسانی به دانشگاه جندی شاپور رسید. این دانشگاه یکی از مراکز علمی دوران باستان بود که از سراسر دنیای کهن برای تحصیل دانش فلسفه، پزشکی و نجوم به آن مراجعه می‌کردند. با ورود ایران به جهان اسلام، علوم و فرهنگ ایرانی رونق بیشتر یافت. حاصل آن کوشش‌های ابن‌مقفع و ترجمه آثار علمی از زبانهای یونانی، سنسکریت، پهلوی و سریانی به زبان عربی، زبان علم در آن روزگار، بود. پیدایی

دانشمندانی چون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی و بسی دیگر از این بزرگان بود. اگر چه مبلغان مسیحی به سبب مخالفت با اسلام، چهره ایران فرهنگی را به ویژه در قرون وسطا مخدوش کردند، اما به زودی مغرب زمین در عصر روشنگری به اشتباه خود پی برد و متفکران اروپای قرن هفده میلادی ناگاه متوجه ایران و فرهنگ سترگ آن شدند. ترجمه آثار شاعران و متفکران ایرانی چنان رواج یافت که به زودی بیشتر متون ادبی و حکمی فارسی به زبانهای اروپایی ترجمه شد. کسانی چون منتسکیو با نامه‌های ایرانی، به بزرگداشت فرهنگ و تمدن ایران پرداختند. بدیهی است نگاهبانی و صیانت از این تمدن عظیم، تمدنی که اینک بار سنگین درخت تناور هزاران ساله بر خود دارد، کاری خرد نخواهد بود و مسؤلیت و خویشکاری ما در این باره بسیار گران است. به همین روی، انجمن ایران‌شناسی ایران نخستین کنگره ملی ایران‌شناسی ایران را با استعانت از ایزد یکتا و استادان و پژوهشگران گرانقدر ایران، آغاز نمود. امید که این راه ارجمند تا سال‌های سال استمرار یابد و به این ترتیب گامی در شناخت سرزمین کهن سال و گرامی ایران عزیز برداشته شود.

ایدون باد!

دکتر محمود جعفری دهقی

رئیس و دبیر علمی نخستین کنگره ملی ایران‌شناسی ایران

اردیبهشت ۱۴۰۳

**چکیده‌های  
مقالات پذیرفته شده  
در مرحله نخست**

## ادبیات تطبیقی، بال دیگر مطالعات ایران‌شناختی

### پژوهش موردی؛ بررسی کارنامه علمی دکتر طهمورث ساجدی صبا

پیام شمس‌الدینی<sup>۱</sup>

بحث درباره چستی ایران‌شناسی دنباله‌دار و پر دامنه است. از میان دیدگاه‌های متنوع و البته محترمی همچون امتناع وجودی بر سر راه ایران‌شناسی ایرانی (ایرج افشار) تا ایران‌شناسی سازمان‌یافته (حسن حبیبی)، ایران‌شناسی به مثابه شاخه‌ای تخصصی از شرق‌شناسی (زهره زرشناس)، ایران‌شناسی به عنوان دانشی میان‌رشته‌ای (پوران طاحونی و دیگران) ایران‌شناسی همچون حوزه‌ای چنددانشی (محمد بهرام‌زاده و دیگران)، همگی به سراغ بحث درباره چستی و چگونگی این دانش رفته‌اند. گفتگو درباره ماهیت این علم و جایگاه آن در رده‌بندی علوم انسانی می‌تواند راهگشای این حوزه نوین باشد؛ همچنین توجه به ارتباط میان روش‌های علمی‌ای که در ایران‌شناسی -و نیای کهنسال آن: شرق‌شناسی- به کار می‌رفته، می‌تواند ما را به شناخت نوینی از این دانش برساند. دانشی که حد فاصل جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، علوم ادبی و تاریخ ادبیات، و زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی قرار گرفته است. در این پژوهش، نخست به ارتباط تنگاتنگ میان دو روش علمی جامعه‌شناسی تاریخی و ادبیات تطبیقی برای رسیدن به ماهیت دانش ایران‌شناسی اشاره خواهد شد و در ادامه برای نمونه، کارنامه استاد فقید دکتر طهمورث ساجدی صبا در کاربرد ادبیات تطبیقی برای مطالعات ایران‌شناختی بررسی می‌شود.

### واژگان کلیدی:

ایران‌شناسی، ادبیات تطبیقی، جامعه‌شناسی تاریخی، طهمورث ساجدی صبا.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (shams\_payam@yahoo.com).



## ارزیابی نقش مانکجی لیمجی هاتریا در جریان تاریخ‌نگاری محلی ایران در عصر ناصری

جواد شجاعی<sup>۱</sup>

پارسیان هند از سده نهم هجری قمری با انگیزه‌های دینی، فرهنگی و اقتصادی با زرتشتیان ایران ارتباط برقرار کردند. در نتیجه روابط میان آنها و زرتشتیان ایران مجموعه آثاری درباره متون زرتشتی، تاریخ و جغرافیای ایران نوشته شد که این آثار را می‌توان دستاورد ایران‌شناسانه پارسیان هند نسبت به سرزمین و تاریخ نیاکانشان دانست. مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا (۱۲۳۰-۱۳۰۷ق)، یکی از فرستادگان پارسیان نزد زرتشتیان ایران است که در دوره حضور طولانی‌اش در ایران اقدامات مهمی انجام داد. یکی از اقدامات وی تشویق و سازماندهی افراد برای نگارش تاریخ‌های محلی است. وی در ارتباط با دربار و مقامات، جمعی از نویسندگان محلی را مأمور نگارش تاریخ ایالات و ولایات ایران کرد. مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که مانکجی در تکوین و تحول تاریخ‌نویسی محلی در دوره ناصری چه نقشی ایفا کرد؟ در مقاله حاضر، با بهره‌مندی از روش تحقیق تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر منابع و پژوهش‌های تاریخی، نقش، اهداف و انگیزه‌های مانکجی در جریان تاریخ‌نویسی محلی دوره ناصری بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مانکجی نگرشی نوستالژیک نسبت به تاریخ ایران داشت، این حسرت به گذشته و بازشناخت آن سبب شد وی با بینشی ناسیونالیستی و باستان‌گرایانه به جمع‌آوری اطلاعات درباره شهرهای کهن و آثار و بقایایی باستانی پردازد.

### واژگان کلیدی:

قاجاریه، تاریخ‌نگاری محلی، ناسیونالیسم، باستان‌گرایی، مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (Shojaei.Javad83@gmail.com).

## از شاهنامه تا قلعه شاه مسغون؛ نگاهی به داستان فتح کوه‌قلعه گیسکان

یعقوب فولادی تنگستانی<sup>۱</sup>

بر فراز کوهی صعب‌العبور در اعماق کوه‌های گیسکان دشتستان (استان بوشهر) ویرانه‌های قلعه‌ای است که می‌گویند قدمتش به ایران باستان می‌رسد و برای مقاومت در برابر دشمنان استفاده می‌شده است. با توجه به قرار گرفتن این بنا در کوهستان به آن «کوه قلعه» می‌گویند. مستندات علمی و اطلاعات تاریخی در مورد کوه قلعه در دست نداریم؛ جز اینکه می‌گویند قلعه «شاه مسغون»<sup>۲</sup> است و در مورد گشوده شدنش داستانی افسانه‌ای در بین مردم آن سامان رواج دارد که وجه تسمیه کوهستان و آبادی‌های آنجا می‌باشد. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و میدانی به این داستان پرداخته‌ایم که نتیجه حاصل از آن نشان می‌دهد روایت تنبیه تازیان به دست شاپور دوم ساسانی با آب و تاب‌های حماسی و ویژگی‌های داستانی-افسانه‌ای وارد فرهنگ عامه و ادبیات شده؛ سپس این داستان تاریخی-افسانه‌ای برای دیگر داستان‌هایی که در زمان‌های بعد در مورد قلعه‌های دیگر می‌بینیم، از جمله کوه قلعه گیسکان، کهن‌الگو<sup>۳</sup> شده است.

**واژگان کلیدی:** گیسکان، قلعه شاه مسغون، شاهنامه، شاپور دوم ساسانی و تازیان، کهن‌الگو.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ پژوهشگر ادبیات حماسی و اساطیری  
(Fouladi\_yaghoob@yahoo.com).

<sup>۲</sup> تلفظ «مسمغان» به معنی بزرگ‌مغان یا بزرگ‌مغ؛ ترکیب یافته از «مغان» و «مس» ms (صورت خطی واژه‌ای است که در پهلوی و فارسی «مه» meh تلفظ می‌شود)، به معنی بزرگ که می‌تواند منشأ پارتی داشته باشد. لازم به ذکر است که «مسمغان» عنوان یا لقب حکمرانان ری و دماوند در آستانه یورش تازیان به ایران بود (رک: خطیبی، ۱۴۰۱: ۲۵-۳۰).

<sup>۳</sup> archetype

## اصفهان از نگاه سفرنامه‌نویسان آلمانی‌زبان با تأکید بر دوره صفویه

نگار امینی<sup>۱</sup>

سفرنامه‌های اروپاییان مخصوصاً سفرنامه‌های سیاحان آلمانی‌زبان دارای مطالب ارزشمند بسیاری است که برای شناخت مردم ایران دارای اهمیت است. در این میان، توصیفات جذابی از شهرهای ایران در این سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد که از حیث تاریخ اجتماعی قابل تأمل است. اصفهان به‌عنوان پایتخت صفویان از این جهت دارای جایگاه ویژه‌ای است و بسیاری از اطلاعاتی که از اصفهان عصر صفوی داریم، برگرفته از همین سفرنامه‌هاست. در این مقاله کوشش شده‌است تصویری تاریخی از اصفهان عصر صفوی بر مبنای اطلاعات فراهم‌آمده از سفرنامه‌های آلمانی‌زبان بازسازی شود. آلمانی‌زبان‌های متعددی در عصر صفویه چه در قالب هیأت‌های سیاسی و تجاری و چه به‌صورت انفرادی راهی ایران شدند و در اصفهان اقامت گزیدند. نگاه بیشتر اینان به امور ایران و اصفهان، فرهنگی و اجتماعی است و بنابر همین خصوصیت، داده‌های فرهنگی قابل ملاحظه‌ای از پایتخت صفویان به دست می‌آید. نویسنده کوشیده‌است این داده‌ها را در مقولات کلی دسته‌بندی و ذیل عناوینی نظیر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... ارائه کند. منابع اصلی مورد استفاده در این مقاله سفرنامه‌های ترجمه‌شده و ترجمه‌نشده آلمانی‌زبان متعلق به عصر صفوی است. رویکرد به کار گرفته‌شده در این پژوهش، تاریخی با تأکید بر توصیف و تحلیل اطلاعات است. روش ما برای نگارش این مقاله، کتابخانه‌ای است و اطلاعات با ابزارهایی چون فیش‌نویسی گردآوری شده‌است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد اصفهان از نگاه این سفرنامه‌نویسان با دیدی مثبت ارزیابی شده‌است و همچنین در زمینه‌های ذکر شده دارای نقاط قوت بسیاری بوده که مقوله معماری و هنر یکی از زمینه‌های برجسته بوده‌است.

### واژگان کلیدی:

اصفهان، سفرنامه، سفرنامه‌های آلمانی‌زبان، سیاحان، صفویان.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (negaramini1376@gmail.com).

## انگاره خانواده در باورها و داستان‌های مانوی

سیما فولادپور<sup>۱</sup>

به دلیل اهمیت نهاد خانواده در ساختار فرهنگی - اجتماعی و حتی سیاسی - اقتصادی یک جامعه است که هر ایدئولوژی، دین و مذهبی خود را موظف می‌داند برای این مفهوم ویژگی‌ها و کارکردهای متقن تعریف کند. به همین طریق دین مانوی نیز درباره خانواده نظرات مشخصی دارد که عموماً لزوم آن را نفی می‌کند و به نابودی آن با ممنوعیت ازدواج و فرزندآوری همت می‌گمارد و جامعه دینی مانوی را به عنوان جایگزین آن معرفی می‌کند. اما حضور این بن‌مایه در داستان‌های مانوی ویژگی‌های متفاوت دارد و نهاد خانواده، اعضای آن و روابط مرتبط با آن به اشکال گوناگون در داستان‌های مانوی حضور قابل توجه با بار معنایی مثبت دارند. به ویژه رابطه والد و فرزندی از چنان اهمیتی برخوردار است که داستان اسطوره آفرینش مانوی بر پایه همین رابطه شکل گرفته است. در این مقاله، قصد داریم با بررسی موشکافانه بن‌مایه‌های داستانی مانوی از یک سو و آموزه‌های متون عقیدتی مانوی از سوی دیگر ویژگی‌های این پیچیدگی رویکردی را بررسی کنیم و تناقض ظاهری آن را با استناد به کارکردگرایی ادبیات مانوی توضیح دهیم. چنان که به نظر می‌رسد آن‌جا که صحبت از رابطه پدر و فرزندی است، بیشتر به رابطه‌ای بالادستی، الهی و معنوی با اصل خیر و نیکی یعنی پدربزرگی و در مدارج پایین‌تر مانی و آموزگاران مانوی اشاره دارد و به همین ترتیب، رابطه هم‌عرض خواهر و برادری با رابطه میان پیروان این دین و نیوشایان و برگزیدگان متناظر است.

### واژگان کلیدی:

خانواده، دین مانوی، داستان، ادبیات مانوی، پدر، اسطوره آفرینش.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(S.fouladpour@gmail.com)



## ایران‌شهر و مسئولیت ایرانی بودن

غلام‌حیدر ابراهیمی‌ای سلامی<sup>۱</sup>

گفتمان‌سازی و گزارش روایتی نوآورانه از مؤلفه‌ها و توسعه مفاهیم اصلی مربوط به «ایران» و «هویت ایرانی» که با نوعی از «سروری فرهنگی» در مفهوم «ایران‌شهر» نهفته است. در فرایند «جهانی شدن» و عصر گسترش «فناوری اطلاعات و ارتباطات» و در آستانه انقلاب «هوش مصنوعی»، مسئولیت هر ایرانی فرهیخته است. این پژوهش با روش تحقیق اسنادی و بررسی آثار معتبر از میراث فرهنگی ایران‌زمین و با رویکردی تطبیقی ارائه می‌شود. شاکله مفاهیم و گفتمان ایران‌شهر پیامی از ژنوم فرهنگی ایران‌زمین و فراتر از اقوام و یک ملت است که بر محور انسانیت، اخلاق، عقلانیت، مهر، هنر و تعالی جوامع بشری تعریف می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی است که آثاری چون منشور کورش در بیان حقوق بشر و دیگر آثاری که بر خدای یگانه، شادی، صلح و حق آزادی در دین، کار، و زبان و هر آنچه بر اندیشه نیک، سخن نیک و کردار نیک در فرایند تحول نظام اجتماعی و تشکیل نخستین دولت‌های جهان تأکید می‌کند، نمادی از گفتمان ایران‌شهر است. زبان و ادبیات پارسی بزرگترین سرمایه ایران‌شهر، باشکوه‌ترین میراث فرهنگی ایران‌زمین، نشانه قدرت و نماینده فرهنگ و تمدن ایران فرهنگی است که پیش از دیگران در تدوین منشور حقوق بشر می‌گوید: «بنی آدم اعضای یک پیکرند - که در آفرینش ز یک گوهرند». هر ایرانی برای حفظ و تعالی هویت رشدیابنده ایران‌شهری در عصر فراپست‌مدرن، مسئولیت دارد مفاهیم و مؤلفه‌های ایران فرهنگی را با نوآوری و بهره از فناوری‌های نوین گسترش دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران‌شهر، جهانی شدن، مسئولیت ایرانی بودن، هویت ایرانی، هویت در فراپست‌مدرن.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ رئیس بنیاد توسعه گردشگری پایدار  
(ghsalami@yahoo.com)

## بازتاب درون‌مایه‌های پرتکرار در دوبیتی‌های عامیانه تالشی آستارا

ابراهیم سیف درخشانی<sup>۱</sup>

دوبیتی‌های عامیانه از قالب‌های شعری پرکاربرد در ادبیات عامه است که سراینده مشخصی ندارد و غالباً به صورت شفاهی و سینه به سینه به دست ما رسیده است. اینها صداقت بالایی در گفتار و بی‌پردگی خاصی در بیان مقصود دارد. دوبیتی‌های عامیانه که برخی آن را بازمانده اشعار هجایی دوره ساسانی می‌دانند، همانند پنجره‌ای به روی عقاید و احساسات پیشینیان است که با واکاوی آنها می‌توان به پاره‌ای از اطلاعات ارزشمند دست یافت. در این پژوهش، به شیوه توصیفی-تحلیلی به گردآوری، دسته‌بندی و بررسی درون‌مایه‌های دوبیتی‌های عامیانه تالشی در شهرستان آستارا پرداخته شده است. جامعه آماری، بیشتر تحقیقات میدانی نگارنده از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ خ در حیطه تقسیمات سیاسی شهرستان آستارا و منابع کتابخانه‌ای و تعدادی کاست صوتی قدیمی متعلق به مجلس عروسی بومیان منطقه مورد نظر است. پس از بررسی بیش از یکصد دوبیتی عامیانه و روایات مختلف موجود از یک دوبیتی، پی برده شد که مضمون گله‌مندی از دوری یار، بیشترین فراوانی را داراست. دیگر درون‌مایه‌های پرتکرار در دوبیتی‌های عامیانه تالشی شهرستان آستارا به ترتیب شامل وصف زیبایی معشوق، نفرین، آرزوی وصال یار و غم غربت یار است.

### کلیدواژگان:

ادبیات عامیانه، درون‌مایه، دوبیتی، دوبیتی‌های عامیانه، گله‌مندی، مضمون.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
(ebrahim.seifdr@gmail.com)

## بازتاب عناصر هویت ایرانی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران (با بررسی آثار گداعلی عباسی و منصور عباسی)

سمیه حمیدی<sup>۱</sup>، زینب عیوضی<sup>۲</sup>

هویت به هر آنچه که وجه تمایز ما از دیگری باشد، اطلاق می‌گردد و در ساحت‌های مختلف فردی، مذهبی، قومی، نژادی، ملی و... تعریف می‌شود. به همین ترتیب هویت ملی دلالت بر ویژگی‌هایی دارد که ملتی را از ملت دیگر متمایز می‌کند. ایران به‌عنوان کشوری با سابقه حضور دیرپا در تاریخ تمدن جهان، دارای ویژگی‌ها و مختصات خاص خود در زمینه‌های جغرافیای سرزمینی، تاریخ، اسطوره، آداب و رسوم و زبان است که همه این عناصر تحت عنوان هویت ایرانی، به‌مثابه وجه تمایز ایرانیان از دیگران در نظر گرفته می‌شود. با توجه به آنکه هویت ایرانی همواره در ظرف هنر تجلی یافته؛ این پژوهش بر آن است که به این پرسش پاسخ دهد که کدام عناصر از هویت ایرانی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بازتاب داشته‌است. برای پاسخ به این پرسش ابتدا به تعریف هویت و هویت ملی پرداخته، سپس خاستگاه و ویژگی‌های این سبک نقاشی بررسی می‌شود و در آخر بازتاب عناصر هویت ایرانی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، با بررسی آثار گداعلی عباسی و منصور عباسی، تبیین می‌گردد. نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که در نقاشی قهوه‌خانه‌ای که امتداد سنت نگارگری ایران در عصر حاضر است، عناصر هویت ایرانی چنان بازتاب یافته که می‌توان این سبک را یکی از مصادیق هویت ایرانی به‌شمار آورد.

**واژه‌های کلیدی:** هویت ملی، هویت ایرانی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نگارگری.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول (somayeh.hamidi@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (eyvazi.zeynab@gmail.com)

## بازخوانی معماری قلعه تاریخی دهشاد شهریار

تورج خسروی جاوید<sup>۱</sup>، مجتبی احمدی<sup>۲</sup>

یکی از سکونتگاههای اعصار قدیم و تا همین اواخر، قلعه‌ها هستند که در فلات ایران پراکنده‌اند؛ تعداد زیادی از آنها تخریب شده‌اند و تعداد اندکی از آنها سالم و قابل سکونتند و حیات در آنها جریان دارد. اقلیم منطقه تعیین‌کننده مصالح و شکل آنهاست. برای مثال، در قلعه دهشاد شهریار مصالح ساخت از خاک محل و اطراف روستا بوده و چون اقلیم شهریار تقریباً گرم و خشک و مصالح عمده آن خاک و آجر است، در گذشته از آن برای ساخت ابنیه استفاده می‌کردند. تعداد کمی از قلعه‌ها نظامی و تعداد بیشتری از آنها مسکونی هستند که قلعه مذکور مسکونی است. هرچند شکل قلعه نظامی با مسکونی متفاوت است؛ اما دارای مشترکاتی هستند مثل حصار، برجک و سردر. اکثر قریب به اتفاق قلعه‌های موجود در شهریار مسکونی هستند و به‌غیر از قلعه دهشاد، تمامی آنها مخروطی و متروکه و خالی از جمعیت هستند. قلعه دهشاد قلعه‌ای روستایی و دارای ۱۲ باب خانه، خانه کدخدا، انبار، گذر اصلی و فرعی، برج و بارو و سردر ورودی است. این قلعه در حال حاضر سالم‌ترین قلعه شهرستان شهریار است. هدف این پژوهش شناخت و مطالعه یکی از قلعه‌های بارزش شهرستان شهریار است. این پژوهش به‌صورت میدانی، مصاحبه با افراد محلی و کتابخانه‌ای انجام شده است.

### واژگان کلیدی:

قلعه دهشاد، قلعه تاریخی، معماری قلعه، ساختار معماری، شهریار.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران (Orcid: 0000-0003-3366-1465)؛  
Khosravi.javid@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.



## بازشناسی جایگاه جمشید پادشاه پیشدادی در سروده‌های حافظ شیرازی

مجید کریمی<sup>۱</sup>

جمشید، پادشاه پیشدادی و اسطوره‌ای در ایرانشهر از آغاز تا به امروز چون ذری درخشیده و در میان سخن‌سرایان پارسی زبان سده‌های پس از اسلام، شناخته می‌شده‌است. از نام وی پیاپی در متن‌های ادبی به‌سان یک پادشاه شکوهمند یاد می‌شود. رشته‌سرایندگان بسیاری بر بزرگی وی و بی‌مانندی او هم‌زمان و هم‌نگرند. در این میان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، پرآوازه‌ترین غزلسرای ایران، جمشید را به بزرگی و دانایی می‌ستاید و از وی بارها به نکویی یاد کرده‌است. آوردن نام جمشید در دیوان حافظ گواهی بر شناخت حافظ از جایگاه جمشید در فرهنگ مردمی است و نشان می‌دهد که آوازه او در پهنه پهناور ایرانشهر آن روزگار، از آمودریا و سیردریا گرفته تا گنجه در قفقاز و قونیه در آناتولی، گسترده بوده‌است. هیچ پادشاه اسطوره‌ای در جهان مانند جمشید برای حافظ نمونه نیست. حافظ در مضامین سرایشی خود، جمشید را پیام‌آور همه خوبی‌ها و داشته‌های ایرانشهری کهن می‌شناسد و کوشیده‌است که داستان جمشید و کارهای بزرگ وی را در جای‌جای سروده‌های خود بستاید و جهان ایرانی و آریایی را با اندیشه و کردار جم آشنا کند. پرسش ارزشمند آن است که چرا حافظ در دیوان خود روش و منش همه شاهان زمان خود را با تاج و تخت جمشید می‌سنجد؟ پژوهش کنونی در پی آن است که چرایی بزرگی جمشید را در زبان و سخن حافظ دریابد و ویژگی جمشید را در سروده‌های وی بازیابد و آنگاه واکاود که چه پیوندی میان حافظ و جمشید از نگاه ادبی دیده می‌شود.

### کلیدواژه‌ها:

جمشید، حافظ، جام جم، جام جهان‌بین، جام جهان‌نما، پیشدادی، ایرانشهر.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه دولتی ایروان، ایروان، ارمنستان (karimmj@yahoo.com).

## بازنگری در حدود و ثغور علم ایران‌شناسی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چگونگی

رضا ذبیحی<sup>۱</sup>

ایران‌شناسی به مثابه علم از ابتدا زیرمجموعه شرق‌شناسی تعریف شده است. اکنون بازنگری به منظور یافتن حدود و ثغور جدید این علم و یافتن جنبه‌های نوین آن به دلیل پیشرفت‌های فزاینده و تحولات روزافزون حوزه علم و دانایی و توسعه مرزهای دانش، امری ضروری محسوب می‌گردد. اولین الزام برای اقدام در راستای عملیاتی کردن این مهم، تعریف علم ایران‌شناسی به عنوان علمی کاملاً مستقل از شرق‌شناسی است. الزام بعدی، رهاندن این علم از یک سری مفروضات مسلم فرض شده و رهایی آن از حصار تاریخ، ادبیات و باستان‌شناسی است. آخرین الزام تلاش به منظور مسئله‌محور، مشکل‌گشا بودن و روزآمد کردن این علم است. بر این اساس این مقدمات، این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که انواع مختلف ایران‌شناسی می‌تواند دارای چه شاخه‌های مختلفی باشد؟ پاسخ موقت به این پرسش بدین شرح است: علم ایران‌شناسی در شرایط نوین کنونی می‌تواند حداقل دارای ۱۲ شاخه و جنبه مطالعاتی بدین شرح باشد: ۱- فرهنگ ایران ۲- ادیان ایران به‌ویژه دین اسلام و مذهب تشیع ۳- تاریخ ایران ۴- تمدن ایران ۵- زبان و ادبیات فارسی ۶- مردم ایران ۷- جامعه ایران ۸- ژئوپلیتیک ایران ۹- انقلاب اسلامی ایران ۱۰- نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۱- جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران ۱۲- مطالعات میان‌رشته‌ای از تلفیق موارد پیشین.

### واژه‌های کلیدی:

ایران‌شناس، شرق‌شناسی، بازنگری علم ایران‌شناسی، علم روزآمد، علم مسئله‌محور.

<sup>۱</sup> استادیار روابط بین الملل بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (r.zabihi@iranology.ir).

## بازنمایی معماری ایران دوره غزنوی در تاریخ بیهقی<sup>۱</sup>

ندا تاکی<sup>۲</sup>

تاریخ بیهقی قابلیت بالایی برای بررسی و پژوهش از منظرهای گوناگون ادبی، تاریخی و معماری ایران دوره غزنوی دارد و اولویت برای نگارنده، رویکرد پیوند آن با معماری ایران است که مسأله و مسیر پژوهش را شکل داده و پرسش‌هایی از چگونگی ماهیت برخی فضاها و تحلیل اصطلاحات معماری پدید آورده است. این پژوهش با روش جستجو در منابع کتابخانه‌ای و تحلیل منبع دست اول تاریخ بیهقی دنبال شده؛ و هدف آن تحلیل و تبیین اصطلاحاتی از معماری است که طی دوره دوساله بیهقی خوانی پیش روی نگارنده آمده و در این بین، اولویت با تحلیل‌های فضایی و همچنین سعی در توصیف‌های معمارانه کمتر واکاوی شده بوده است. یافته‌های پژوهش در چارچوب شناخت بهتر ماهیت چند اصطلاح معماری و نتیجه پژوهش پرتو افکندن بر جنبه‌هایی از معماری ایران در دوره غزنوی در آن حدی است که در تاریخ بیهقی ظاهر شده است و با عینکی مبتنی بر درک بهتر فضاها و اصطلاحات از صافی ذهن نویسنده می‌گذرد؛ و پیشینه موضوعی بررسی اصطلاحات معماری، فضاها و بناها در بین پژوهشگران این متن کهن، دامنه کلام و مجال تحلیل‌ها را محدود به بررسی فضاها، اجزا فضایی و مفاهیمی چون طارم، وثاق، حظیره، دکان و منزل می‌کند.

### واژه‌های کلیدی:

ابوالفضل بیهقی، ایران، بیهقی خوانی، تاریخ بیهقی، دوره غزنوی، معماری.

<sup>۱</sup> سیاست‌گذاری می‌کنم از مجتبی مهرعلی کردبچه، زهره توحیدی، فرزاد زره‌داران، سارا بمانیان و زهرا آل‌احمد از گروه «مطالعات معماری ایران» دانشگاه شهیدبهشتی که این مقاله ماحصل بیهقی خوانی با ایشان به مدت حدود دو سال است (نویسنده).

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران (neda.taki@gmail.com).

## بازنمایی مفهوم زمان در شاهنامه فردوسی

سید مجتبی میرمیران<sup>۱</sup>، محمد فولادی‌خواه<sup>۲</sup>

در این مقاله سعی کرده‌ایم به ساختار و مفهوم زمان نزد فردوسی نگاهی اجمالی بیندازیم و نیز به نوع و نحوه استفاده و کاربرد وی از این موضوع بنیادی در جریان حوادث و شخصیت‌های شاهنامه در بخش‌های اسطوره‌ای و حماسی تا دوران کیانیان بپردازیم. در این پژوهش نشان داده شده است با توجه به اینکه شرق ایران، در واقع دروازه ورود اقوام آریایی، به ویژه قوم سکایی به فلات ایران بوده، عمده مفاهیم فلسفی و اسطوره‌ای و به طور کلی بخش عمده آن نیز از قبل همین مهاجران به سرزمین نامبرده سرریز کرده است. بدیهی است که با عنایت به زمینه و زمانه یعنی نسبت منطقی که میان کانتکت (زمینه-های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و...) و تکست (متن جدید) و جرح و تعدیل‌های طبیعی که طی زمان میان متن و فرامتن برقرار می‌شود، ژرف ساخت و روساخت تازه‌ای در متن و بطن جامعه جدید عرضه می‌شود؛ که به نظر می‌رسد پدیده (زروانی) و مقوله جبرگرایی از این مفاهیم و دستاوردها باشد که در اندیشه‌های اسطوره‌ای، در فلسفه و ادبیات و بالاخص متعاقب آن در اندیشه‌های زروانی‌گری و در ادوار متأخر در متنی مانند شاهنامه فردوسی نمود پیدا کرده است. این مفاهیم با هم تشکیل گفتمانی را داده‌اند که طی سده‌ها در فرهنگ ایران تجلی داشته است. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و داده‌های موجود به بررسی دیدگاه فردوسی می‌پردازد.

### واژگان کلیدی:

شاهنامه، فردوسی، جبرگرایی، زروان، اسطوره، حماسه.

<sup>۱</sup> استادیار گروه جغرافیا و ایران‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (mirmiran@guilan.ac.ir).

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (mohammadatp474@gmail.com).



## بایستگی‌های کاربرد نشانه‌شناسی فرهنگی در حوزه مطالعات ایران‌شناختی

سید علی علوی<sup>۱</sup>

«نشانه‌شناسی فرهنگی» شاخه‌ای از نشانه‌شناسی است که به شناخت و بررسی الگوهای می‌پردازد که روابط متقابل فرهنگ‌ها را مطالعه می‌کند. نشانه‌شناسی فرهنگی با بازسازی رمزگان‌های فرهنگی در پی پاسخ به این پرسش است که چرا این فرهنگ، این پدیده‌ها را خلق کرده است و دو وظیفه برای خود قایل است: مطالعه نظام‌های نشانه‌ای موجود در فرهنگ با توجه به مشارکتی که در فرهنگ دارند؛ و مطالعه مزایا و معایبی که فرد در تعلق به فرهنگی خاص تجربه می‌کند. هدف این رویکرد، توصیف و تبیین سازوکار عملکرد نشانه‌ای یا فرایند نشانگی درون فرهنگ است. فرهنگ دارای ساختاری منسجم است که در تقابل با «نه فرهنگ» هویت می‌یابد و قابل تعریف می‌شود. نشانه‌شناسی فرهنگی، فرهنگ را یک متن می‌داند؛ از این رو، این رویکرد به مطالعات ایران‌شناسی، نیز به مثابه یک متن می‌نگرد و آن را در پیوند با فرهنگ ارزیابی و تحلیل می‌کند، چراکه اصل و بنیان مطالعات ایران‌شناسی، ارتقای فرهنگ و اندیشه در مقیاس ملی و جهانی و بازتاب این گونه مطالعات در چارچوب فرهنگ جهانی است. یکی از نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی فرهنگی، یوری لوتمان است که اصطلاح «سپهرنشانه‌ای» را به کار برد. در نزد او، سپهرنشانه‌ای محل تجمع متن و ساختارهای نشانه‌ای تثبیت یافته تاریخی است و این، همان «حلقه مفقوده» در مطالعات ایران‌شناسی است که این حوزه به این نوع نگاه جدید، سخت نیازمند است و بی‌گمان، نفس نوی به مطالعات ایران‌شناسی دمیده خواهد شد. در این پژوهش می‌کوشیم مطالعات ایران‌شناسی را از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی بکاویم و به بایستگی‌های بهره‌مندی از این رویکرد در مباحث ایران‌شناسی بپردازیم.

**واژگان کلیدی:** نشانه‌شناسی فرهنگی، سپهرنشانه‌ای، هویت ایران.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (ali.alavi9431@gmail.com).

## بررسی اثرگذاری نقالی بر تاب‌آوری هویت اجتماعی ایرانیان بر اساس دیدگاه هنری تاجفل - مطالعه موردی: هفت لشکر (طومار جامع نقالان)

علی صادقی‌منش<sup>۱</sup>

به باور هنری تاجفل، هویت اجتماعی از آگاهی فرد به عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص سرچشمه می‌گیرد. در مورد ایرانیان، هویت اجتماعی، امری بسیار کهن است اما در طول تاریخ، در پی هجوم بیگانگان و چالش‌های پایایی، این هویت، مدام در افت و خیز بوده‌است. بخشی از تاب‌آوری هویت اجتماعی ایرانیان را باید در آثار ادبی جست؛ اما این تاب‌آوری هویت با اتکا به منابع ادبی در زمانه دشواری نشر و پخش آثار ادبی، چگونه میان عموم مردم پدید می‌آید؟ واقعیت آن است که شیوه روایت‌گری این آثار برای عموم، نقش بسیار مهمی در این زمینه داشت. نقالی، روشی است برای روایت‌گری که می‌تواند، هویت بازآفرینی شده در یک اثر حماسی را با زبانی عامیانه، به میان عموم مردم بیاورد و آنان را در پیوسته با هویت اجتماعی ایرانیان کند. در پژوهش پیش رو با بررسی طومار جامع نقالان، هفت لشکر، به واکاوی عناصر پایایی هویت اجتماعی در این طومار می‌پردازیم. شیوه پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره برده‌شده‌است. برآیند این پژوهش آن است که سه بعد پایایی هویت اجتماعی طبق دیدگاه هنری تاجفل، یعنی الف) مشترکات گروهی (هم‌فکری، هم‌بختی، هم‌پیشینگی)، ب) گرایش به درون‌گروه و ج) آمادگی متعهدانه برای رقابت در یک عرصه به نفع گروه، در طومار جامع نقالان قابل ردیابی و مشاهده است. این بدان معنا که کوشش نقالان برای روایت‌گری این متون، می‌توانسته تأثیری ژرف بر تاب‌آوری هویت اجتماعی ایرانیان بگذارد.

**واژه‌های کلیدی:** هویت اجتماعی، هویت ایرانی، نقالی، هفت لشکر، هنری تاجفل.

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir).

## بررسی ارتباط شعر فارسی با مفهوم هویت ملی ایرانی در آذربایجان

سعید طرزمی<sup>۱</sup>

شعر فارسی در طول تاریخ هزارساله حیات خود یکی از مقوم‌های شکل‌گیری مفهوم هویت ملی ایرانی بوده و بسیاری از بایسته‌ها و مؤلفه‌های این هویت را در خود جای داده است. منطقه آذربایجان که امروز در ایران با ۴ استان آذربایجان غربی و شرقی، زنجان و اردبیل شناخته می‌شود، در طول تاریخ حیات خود بخش بسیار مهمی از عناصر هویت ملی ایران را نمایندگی نموده و از سوی دیگر یکی از پایگاه‌های محکم و استوار شعر فارسی در طول تاریخ حیات آن بوده است. هدف این مقاله بررسی عناصر ساختاری هویت ملی ایران و مؤلفه‌های اساسی آن در پیوند با شعر فارسی در آذربایجان است و اینکه شعر فارسی چگونه توانسته یکی از ستون‌های اصلی حفظ هویت ایرانی در این منطقه باشد. در این مقاله جنبه‌های مختلف ارتباط هویت ملی با شعر فارسی اعم از حضور شاعران پارسی‌سرا، ذکر مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در شعر فارسی منطقه آذربایجان، دفن شاعران پارسی‌گوی در این منطقه، توجه به مقوله‌های مختلف شعر فارسی در آذربایجان از منظر پژوهشی، و نیز حضور یکی از گویش‌های ایرانی قدیم در منطقه آذربایجان و سرایش شعر به این گونه زبانی با بررسی توصیفی و کتابخانه‌ای است تا نشان بدهد منطقه آذربایجان هیچگاه در طول تاریخ حیات خود از مقوله هویت ایرانی خود که شعر فارسی یک مؤلفه اساسی آن است، جدا نبوده است.

### واژگان کلیدی:

آذربایجان، شعر فارسی، هویت ایرانی، عناصر ملی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اورمیه، اورمیه ایران؛ مدرس مؤسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص)، تبریز، ایران (Saeed.tarzami1366@yahoo.com).

## بررسی اشعار گویشی تربت حیدریه و جایگاه آن در بازشناسی ارزش‌های ادبی، فرهنگی و اجتماعی ایران

محمود فیروزی مقدم<sup>۱</sup>

فارسی میانه که سرچشمه فارسی امروز است بیش از هر جا در خراسان حفظ شده‌است و ما با شناخت گویش خراسان و لهجه‌های وابسته آن می‌توانیم با ریشه و بنیاد فارسی امروز آشنا شویم. شعر گویشی تربت حیدریه علاوه بر حفظ ارزش‌های زبانی، جلوه‌ای از ادبیات بومی و اقلیمی است که در ایران و خراسان بزرگ درخشیده است. در شعر گویشی تربت حیدریه شاعران بزرگی چون محمد قهرمان، ذبیح-الله صاحبکار، اسفندیار جهانشیری، علی اکبر عباسی و... به سخن‌سرایی پرداخته‌اند و راهی که بهار هموار کرده بود، طی کرده‌اند؛ به گونه‌ای که امروزه می‌توان آثاری قابل اعتنا با این لهجه خراسانی مشاهده کرد. این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای است و در پی آن است تا جلوه‌های فرهنگ ایرانی که در اشعار گویشی تربت حیدریه نهفته‌است را بیابد. داده‌ها با سندکاوی و جست‌وجو در اشعار شاعران تربتی فراهم آمده-است. پژوهشگر با این باور که اشعار گویشی می‌تواند بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را آشکار سازد و سبب‌ساز ایران‌شناسی و شناخت بهتری از جغرافیای سیاسی باشد، تحقیق خود را انجام داده‌است. تحلیل اطلاعات به روش استقرایی و با شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی انجام شده‌است. نتایج حاصل نشان می‌دهد در لهجه تربتی، به کار بردن کنایه‌ها تابعی از موقعیت‌های زبانی است و استفاده از ضرب‌المثل‌ها نیز با اهداف خاصی همچون تبیین عقیده، تعریف واقعه، تأثیر در مخاطب و... اتفاق می‌افتد. ساخت نام‌آواها نیز تابع قاعده‌هایی متفاوت با زبان معیار است و درک ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به کمک این اشعار گویشی و با شناخت این اصول و قواعد زبانی ممکن خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** ایران‌شناسی، زبان فارسی، خراسان، تربت حیدریه، شعر گویشی.

<sup>۱</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

## بررسی بازتاب نمادهای اساطیری در هنر هخامنشی

محمدتقی فاضلی<sup>۱</sup>، علی اصغر بیرگانی<sup>۲</sup>

هنر هخامنشی تجسمی از شیوه تفکر هخامنشی است چراکه تلاش آنها برای برای سازماندهی یک امپراطوری عظیم و ایجاد ارزش‌های جهانی، این هنر را به هنری منسجم، ایستا، برنامه‌ریزی شده و دارای الگوهای متعالی تبدیل کرده‌بود. هخامنشیان با آمیزش هنرهای مختلف، سبک ویژه‌ای در معماری و شمایل‌نگاری در خاستگاه خویش، پارس، بنیان نهادند. در نقش برجسته‌های تخت جمشید، صحنه‌هایی از مراسم و مناسک رایج در پایتخت شاهان هخامنشی وجود دارد که عموماً پیکره پادشاه، کانون اصلی هر صحنه است. این کنده‌کاری‌های زیبا که بر دل کوه نقش بسته، در عین حکایت از تبحر و مهارت سنگ-تراشان، هر یک گوشه‌ای از مراسم و وقایع سیاسی مذهبی آن دوران، دسته‌های آورندگان هدایا، صحنه بار عام پادشاه و دیگر نقوش مربوط به آرامگاه و بسیاری از آداب و رسوم رایج در دربار هخامنشی را به نمایش می‌گذارند. از دیگر جلوه‌های هنری این دوره، کنده‌کاری، حجاری، پیکرتراشی، فلزکاری و کاشی‌سازی است و آثار برجامانده عمق پیشرفت کار هنرمندان ایرانی را به تصویر می‌کشند. مسأله این پژوهش چیستی مفاهیم نمادهای اساطیری، و هدف آگاهی از مفاهیم نمادین این نقش‌مایه‌ها و نمادهای اساطیری، انسانی، حیوانی، نباتی و چگونگی حضورشان در دوره هخامنشی است. اینکه این نقوش در ایران چگونه‌اند و مفاهیم نمادین آنها چیست؟ سؤال‌هایی است که در این پژوهش به آنها پاسخ داده می‌شود. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام و نتایج آن به صورت تاریخی و تحلیلی ارائه شده‌است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که این نقش‌مایه‌ها و نمادها اساطیری انسانی در هنر هخامنشی برگرفته از باورها و اساطیر است.

**کلیدواژه‌ها:** هخامنشی، نمادها، مفاهیم، اساطیر، تحلیل، هنر.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران باستان؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران؛ نویسنده مسئول (birgani29@gmail.com)

## بررسی باورها و افسانه‌های مردم بوشهر درباره درخت کُنار؛ گیاهی مقدّس در جنوب ایران

آمنه خضری نژاد<sup>۱</sup>

افسانه‌ها جزئی از ادبیات شفاهی هر قوم هستند که از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پژوهشی بسیاری برخوردار می‌باشند. باورها و افسانه‌های استان بوشهر که شبیه دیگر مردمان جنوب ایران است، سرشار از بن‌مایه‌های اساطیری و کهن هستند که نزد عامه مردم حفظ شده و برخی از آنان امروزه جنبه اساطیری یافته‌اند. نگارنده در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و میدانی کوشیده است با رویکردی اسطوره محور نگاهی به افسانه‌ها و باورهای در رابطه با درخت «کُنار» در استان بوشهر داشته باشد و قداست کُنار در باور مردم و فرهنگ جنوب و بوشهر را بیان کند. نتیجه حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که کُنار نشانه‌هایی از یک توت‌م گیاهی مقدّس در فرهنگ و افسانه‌های جنوب و بوشهری دارد. همان گونه که در افسانه‌های برادران گریم (افسانه‌های اروپایی) درخت فندق تقدس دارد یا در افسانه‌های شرق آسیا گیاه بامبو (خیزران) تقدس دارد در افسانه‌های استان بوشهر نیز درخت کُنار تقدس ویژه‌ای دارد.

### واژگان کلیدی:

تقدّس گیاه، اسطوره، خدایان نباتی، درخت کُنار، فولکلور.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه پیام نور، بوشهر، ایران  
(amnhkhzry1360@gmail.com)



## بررسی تاریخی - توصیفی کنیسه‌های تهران

یاسمن غنی<sup>۱</sup>

یهودیان در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود به هر نقطه‌ای که قدم گذاشته‌اند، مکانی را برای انجام امور مذهبی و اجتماعی در نظر گرفته‌اند. پس از تخریب معبد دوم بیت‌المقدس به دست رومی‌ها، کنیسه برای انجام فرایض مذهبی، جایگزین معبد شد. کنیسه‌ها در ابتدا به صورت اتاقکی ساده و کوچک در گوشه منازل مسکونی بودند اما رفته‌رفته به صورت بناهایی مستقل مانند آنچه امروزه می‌بینیم، درآمدند. قدمت حضور یهودیان در ایران که به کلیمیان مشهورند، به ۲۷ قرن پیش باز می‌گردد اما این حضور در شهر تهران قدمتی دویست‌ساله دارد. از اواخر دوره افشار تا پایان دوره پهلوی، بیش از ۳۰ کنیسه در محلات مختلف شهر تهران ساخته شد که امروزه بسیاری از آنان تخریب و یا غیرفعال شده‌اند. اولین کنیسه‌ها در محله عودلاجان برپا شد و به مرور با مهاجرت یهودیان به سایر محلات در دوره‌های بعد، کنیسه‌های بزرگتری ساخته شد که نمود بیرونی شاخص‌تری یافت و در برخی موارد به بخشی از یک مجموعه فرهنگی - آموزشی تبدیل شد. هدف از انجام این پژوهش، ضمن بررسی پیشینه تاریخی حضور کلیمیان در ایران، رسیدن به پاسخ پرسش‌های زیر است: ۱) یهودیان از چه زمان و به چه دلیل به تهران مهاجرت کردند؟ ۲) اولین کنیسه‌ها در تهران کدام بود و در چه شرایطی ساخته شد؟ ۳) علت مهاجرت یهودیان به سایر محلات تهران چه بود و در اثر این مهاجرت‌ها، کدام کنیسه‌ها تأسیس شد؟ این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی است و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی استوار است.

### واژگان کلیدی:

کنیسه، تهران، یهودیان، کلیمیان، عبادتگاه.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
(yasamangh39@gmail.com)

## بررسی تصاویر اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی اقوام مختلف در سفرنامه ابن فضلان

احسان قبول<sup>۱</sup>، عبدالله رادمرد<sup>۲</sup>، تکتام عابدی<sup>۳</sup>

تصویرشناسی دانشی است که بر مبنای تصاویر یک قوم در ادبیات ملت دیگر به شناسایی «خود» و «دیگری» می‌پردازد. شناسایی «خود» از رهگذر نوع نگاه سفرنامه‌نویس به اقوام دیگر قابل بررسی است و شناسایی «دیگری» به واسطه تصاویر مستقیم و غیر مستقیم است که وی از اقوام دیگر ارائه می‌دهد. در این پژوهش، تصاویر اقوام ترک، روس، ایران و صقالبه از سفرنامه ابن فضلان، در جایگاه یکی از سفرنامه‌های مهم دوره ادبیات عباسی از سه منظر اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی طبقه‌بندی، تحلیل و ارزش‌گذاری شده‌است و تا حد امکان دلایل نگرش ارزش‌گذارانه ابن فضلان و نوع تصویر مستقیم، غیرمستقیم یا ترکیبی آن، شناسایی و تحلیل گردیده‌است. شرایط مناسب اقتصادی در ایران و بلغار و همچنین همسویی شرایط سیاسی این دو قوم باعث غلبه تصاویر مثبت ایشان نسبت به ترکان و روس‌ها شده‌است. در خصوص تصاویر جغرافیایی، آب و هوای سرد مناطقی از ایران و ترکان تصاویری منفی را در آن سفرنامه پدید آورده‌است.

### واژه‌های کلیدی:

تصویرشناسی، سفرنامه ابن فضلان، اقوام، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی.

<sup>۱</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (ghabool@um.ac.ir)؛ نویسنده مسئول.

<sup>۲</sup> دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (radmard@um.ac.ir).

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (toktamabedi@gmail.com).

## بررسی تطبیقی نقش هویت ایرانی و هویت سرمایه‌داری در طراحی، کالبد و کارکردهای ارگ‌های قدیم و جدید بم

پروین خسروی‌نسب<sup>۱</sup>، راضیه افصلی<sup>۲</sup>، مهین افصلی<sup>۳</sup>، مرضیه افصلی<sup>۴</sup> نیز

سال‌هاست که دو شاهکار ارگ قدیم و ارگ جدید بم در تارک قلب تاریخ، قدمگاه تعداد زیادی از گردشگران و محققان خارجی و داخلی است که جويا و طالب تجربه‌های تاریخی ملت‌ها هستند؛ در واقع این دو اثر، درس‌هایی از جنس و روح همت، حمیت، غیرت، هویت، استقلال و بکارگیری نبوغ ایرانی در طول تاریخ ایران زمین به نسل‌های آینده می‌آموزند. این پژوهش مشتمل بر یک تحلیل مقایسه‌ای از مشاهدات و بررسی‌های اسنادی انجام شده توسط محقق از ارگ قدیم و ارگ جدید بم است. در این پژوهش، پس از بررسی غالبیت هویت ایرانی اسلامی مؤثر در طراحی، نظام، کالبد و کارکرد ارگ قدیم و غالبیت هویت سرمایه‌داری - فوردیسمی به شکلی نوین و بازتولید شده در طراحی و کارکرد ارگ جدید بم، دو رویکرد حاکم بر تکوین و توسعه ارگ‌های قدیم و جدید بم که منجر به آفرینش دو چشم-اندار با جریانات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت گردیده، تحلیل شده است. نتایج نشان داد این دو رویکرد برگرفته از حاکمیت دو ایدئولوژی متفاوت در حین تکوین و توسعه آنهاست. ایدئولوژی حاکم بر تکوین و توسعه ارگ قدیم، تلفیقی از دو الگوی ایرانی-اسلامی و ایدئولوژی حاکم بر تکوین ارگ جدید، ترکیبی از هویت ایرانی-اسلامی و سرمایه‌داری-فوردیسمی است که رنگ و بوی الگوی سرمایه‌داری در آن غالب است.

**واژه‌های کلیدی:** ارگ قدیم، ارگ جدید، شهر بم، هویت ایرانی - اسلامی، هویت سرمایه‌داری.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه میبد، میبد، ایران (khosravi2141@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (raziehafzalinaliniz@gmail.com).

<sup>۳</sup> دانش‌آموخته کارشناسی تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (mahinafzali20242024@gmail.com).

<sup>۴</sup> دانش‌آموخته دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ کارشناس و مدرس مدعو دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛ نویسنده مسئول (afzalimarzieh2@empl.uk.ac.ir).

## بررسی روند تاریخی و اجتماعی قوم کادوس تا تالش کنونی

زینب (آتوسا) عباسی<sup>۱</sup>

تالش یکی از نواحی تاریخی در استان گیلان است. بررسی‌های باستان‌شناختی نشان‌دهنده آن است که تالش زیستگاه مردمانی متمدن و یکی از این اقوام کادوسها بوده‌اند. این قوم مردمانی ایرانی‌تبارند که همواره در دوره‌های مختلف تاریخی ایران حضور چشمگیری داشته‌اند؛ در دوره کورش کبیر بخشی از سپاهیان وی را تشکیل می‌دادند اما بعد از مرگ وی، دیگر زیر سلطه حکومت‌های مرکزی که در دوره‌های مختلف در ایران شکل گرفت، نرفتند تا آنکه در دوره‌های صفویه و افشاریه، با فشار و تبعید افرادی از این قوم، دوباره به انقیاد حکومت مرکزی ایران درآمدند. در پی وقوع جنگ‌های استعماری روسیه علیه ایران و قرارداد ننگین ترکمانچای، نیمه شمالی سرزمین تالش به مرکزیت لنکران تا رودخانه آستارا جای به تصرف روسیه درآمد و نیمه جنوبی آن به صورت هشت حاکم‌نشین در ترکیب ایران باقی ماند. در این مقاله کوشیده شده در پاسخ به این پرسش که «آیا تالش‌ها از لحاظ نژادی همان کادوسها هستند یا ریشه در تبار اقوام مهاجر دارند؟»، تبار قوم تالش مورد پژوهش قرار گیرد. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده و نتایج آن نشان می‌دهد کادوسها که بنا بر نظریه پژوهشگران، از اقوام متمدن ساکن شمال ایران بوده‌اند، نیاکان قوم تالش هستند که احتمالاً با ورود اقوام مهاجر به ایران، از لحاظ اجتماعی و قومیتی با آنان اختلاط پیدا کرده و همچنین تحت تأثیر همدیگر قرار گرفته‌اند؛ و این باعث کمرنگ شدن هویت و اصالت اولیه قوم تالش شده است.

### واژگان کلیدی:

ایران، اقوام، تالش، کادوس، گیلان.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی؛ دبیر تاریخ، گناوه، ایران (atousa.abbasi73@gmail.com).

## بررسی صحت تاریخی واقعه پوریم از دیدگاه موافقان و مخالفان

یاسمن غنی<sup>۱</sup>

«پوریم» عنوان جشنی است که یهودیان همه‌ساله به مناسبت واقعه‌ای که در آن روز رخ داده، برگزار می‌کنند و شرح آن در طومار استر از مجموعه عهد عتیق آمده‌است. در بخشی از این طومار که عمده اتفاقات آن در شهر شوش به وقوع پیوسته، به کشتار چندده‌هزار نفر از ایرانیان به‌دست یهودیان در دوران حکومت پادشاهی به نام آخشوروش، اشاره شده‌است. با توجه به عظمت این واقعه و اهمیتی که برگزاری این جشن در نزد یهودیان سرتاسر جهان دارد و همچنین شبهاتی که پیرامون صحت و سقم تاریخی آن وجود دارد، چند پرسش مطرح است که در این پژوهش به آنها پاسخ داده شد: واقعه پوریم مربوط به کدام دوره تاریخی است و از منظر پژوهشگران و مورخان تا چه حد مستند دانسته شده‌است؟ آنچه در کتاب استر آمده، تا چه حد با مدارک تاریخی که امروزه یافت شده قابل انطباق است و آیا در سایر کتب تاریخی نیز به پوریم اشاره شده‌است؟ آیا وقوع این حادثه در آن زمان با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف تاریخی امکان پذیر بوده‌است یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، دیدگاه‌های دو طیف موافقان و مخالفان صحت این واقعه بررسی شده‌است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی است و به‌روش تحقیقات کتابخانه‌ای انجام شده‌است.

### واژگان کلیدی:

یهودیت، پوریم، استر، مردخای، کتاب مقدس.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
(yasamangh39@gmail.com).

## بررسی عناصر هویتی و فرهنگی غذاهای ایرانی از دیدگاه ایران‌شناختی

زهرة فیضی پور<sup>۱</sup>، افسانه بیاتی<sup>۲</sup>

ایران تجلی‌گاه بزرگی از شگرد و هنر آشپزی در دنیا به شمار می‌آید و بخش کلانی از میراث فرهنگی با غذاهای ایرانی و آداب آن پیوندی عمیق دارد. از این جهت بین فرهنگ غذایی و هویت ایرانی رابطه‌ای نزدیک وجود دارد و غذاها در ایران از دیر باز فقط نقش کالایی مصرفی نداشته است و بخشی از فرهنگ آن نیز به شمار می‌روند که آوازه آنها به دیگر کشورها نیز رسیده است. هدف از پژوهش حاضر شناساندن بخشی از هویت و فرهنگ ایرانی منعکس یافته در غذا و آداب آن یا به بیان دیگر بررسی غذاها به مثابه کالایی هویتی از دیدگاه ایران‌شناسانه است. از این رو در پژوهش حاضر تاثیر مولفه‌های هویتی و فرهنگی همچون؛ دین، اعتدال و میانه روی، وحدت و یاریگری، تساهل فرهنگی، سنت و باورها، خلیقات و... بر آداب و فرهنگ غذایی در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی تهیه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مولفه‌های مذکور به عنوان بخشی از فرهنگ و هویت غنی ایران در غذا های ایرانی و آداب آن تجلی یافته است و هر کدام از این مولفه‌ها تا چه حد کارایی داشته‌اند که از بین آنها مولفه هویتی، اعتدال و خلیقاتی خاص و باورهایی که جزئی از هویت دیرینه ایران هستند بر فرهنگ غذایی بازتاب داشته‌است.

### کلیدواژه‌ها:

ایران، ایران‌شناسی، فرهنگ، غذا، هویت.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ نویسنده مسئول (zohre56451378@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (afsane.bayatii@gmail.com).



## بررسی کنش‌های ایران‌شناسانه حکومت پهلوی دوم با تکیه بر نظریه نهادگرایی نورث

امیرحسین نباتی<sup>۱</sup>

به‌کارگیری ایدئولوژی باستان‌گرایانه در دوره پهلوی دوم و سیاست‌گذاری فرهنگی بر مبنای تلفیقی از مدرنیسم و سنت پادشاهی ایرانی، نیازمند ایجاد نهادهای فرهنگی مختلفی بود که در راستای این سیاست‌گذاری، به ایفای نقش پردازند. داگلاس نورث، محقق تاریخ اقتصادی در نظریات خود، با تأکید بر روی اهمیت نهادهای اجتماعی و تاریخ هر جامعه بر فرایند اتخاذ تصمیم‌های کلان اقتصادی، «قوانین رسمی» و «غیررسمی» هر جامعه را به‌مثابه نهادی برای شکل‌گیری روابط متقابل انسان‌ها می‌داند. نورث در بیان مصادیق «قوانین غیررسمی»، به مسائل مختلفی از جمله فرهنگ و ایدئولوژی‌های سازمان‌یافته اشاره می‌کند. با توجه به ساختار نظری شرح داده شده، تبیین علل و عوامل ایجاد نهادهای فعال در حوزه ایران‌شناسی در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی، شکل سازمان‌یافته‌تری به خود می‌گیرد. همراهی تفکر توسعه‌محور حاکم بر کشور با ساختار سیاسی استبدادی نظام سلطنتی، مستلزم ایجاد نهادهایی در حوزه‌های تعلیم، تربیت و فرهنگ بود که بتواند هویت مطلوب نظام حاکم را در جامعه نهادینه سازد. بنیاد فرهنگ ایران، مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انجمن شاهنشاهی فلسفه، بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌ها، انجمن ملی روابط فرهنگی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، دفتر حفظ و حراست از میراث از دست رفته، کتابخانه پهلوی، انجمن آثار ملی، انجمن بین‌المللی ایران‌شناسان و... از جمله ساختارهای مهمی است که حوزه ایران‌شناسی به فعالیت می‌پرداختند.

**واژگان کلیدی:** ایران‌شناسی، حکومت پهلوی، داگلاس نورث، نهادگرایی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (amirhoseinnabatei@gmail.com).

## بررسی موضوعی سفرنامه‌های سیاحان بریتانیایی درباره گویش‌ها و لهجه‌های بختیاری‌ها

آزاده حیدری<sup>۱</sup>

سفرنامه‌های سیاحان خارجی، دربردارنده واقعیات اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و ادبی هستند که امروزه نقش مهمی در پژوهش‌های ایران‌شناسی ایفا می‌کنند. این آثار منابع اطلاعاتی دست اولی هستند که به دست یک خارجی درباره یک کشور و مردمان آن نگاشته شده‌اند. سفرنامه‌ها در میان متون و منابع مکتوب، نمونه مشابهی ندارند و از نظر اطلاعاتی منحصر به فردند چرا که مأموران کشورهای غربی در طول تاریخ برای کسب اطلاعات و آشنایی با فرهنگ، تاریخ و جغرافیای کشور مقصد سفر کرده و دیده‌ها و شنیده‌های خود را ثبت کرده‌اند. زبان و ادبیات، گویش‌ها و لهجه‌های ایرانیان در مناطق مختلف جغرافیایی از جمله مهم‌ترین موضوع‌هایی است که سیاحان غربی پس از سفر به ایران بدان پرداخته‌اند. با توجه به تنوع اقوام و نژادهای ایرانی در ادوار مختلف تاریخی ایران، زبان، لهجه و گویش‌های متعددی وجود داشته که بررسی پیرامون آنها حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت گزارش‌ها و خاطرات غربی‌ها در مطالعات ایران‌شناختی، در این مقاله با بررسی و مطالعه ۱۳۰ جلد از سفرنامه‌های ترجمه‌شده سیاحان بریتانیایی که از زمان حکومت صفویان تا پایان دوره پهلوی دوم به ایران سفر می‌کردند، به طور اختصاصی «زبان، گویش و لهجه بختیاری‌ها» بررسی شده و سیاحان با توجه به دوره تاریخی سفرشان به ایران، از زمان فتحعلی شاه قاجار تا رضا شاه پهلوی، انتخاب و معرفی شده‌اند. دیدگاه‌های این سیاحان، اطلاعات قابل توجهی راجع به ریشه و اصالت زبان، لهجه و گویش بختیاری‌ها به دست می‌دهد که در مطالعات تاریخی قابل تأمل و بررسی است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، سفرنامه‌ها، سیاحان بریتانیایی، زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌ها، بختیاری‌ها.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ مسئول کتابخانه ایران‌شناسی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (heidari.ical@gmail.com).

## بررسی و نقد دیدگاه‌های داریوش شایگان متأخر درباره هویت در عصر جهانی شدن

فاطمه بصری<sup>۱</sup>

جهانی‌شدن به مثابه روندی فراگیر، تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را در گستره هویت، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... متأثر ساخته و انتظار مصون ماندن هویت افراد از تحولات این پدیده فراگیر، به دور از منطبق است. کشور ایران نیز با برخورداری از فرهنگ و تمدن غنی در طول تاریخ کهن خود، پیوسته از توالی زمانی در امر هویتی برخوردار بوده است. در این میان یکی از موضوعاتی که در تحلیل هویت در ایران همواره مورد توجه قرار گرفته، نحوه مواجهه روشنفکران با این پدیده می‌باشد. در میان گفتمان‌های روشنفکری ایران، داریوش شایگان، فارغ از تعصب و پیش‌داوری با مکاتب و موضوعات مختلف از جمله هویت ایرانی مواجه می‌شود. بر این اساس پژوهش حاضر در تلاش است تا از طریق نظریه‌های نوینی همچون «به رسمیت شناخته‌شدن» به فهم جدیدی از هویت دست یابد و بر پایه آن، تلقی داریوش شایگان متأخر از «هویت ایرانی در عصر جهانی شدن» را صورت‌بندی کرده و مورد نقد قرار دهد. این پژوهش، راه حل خروج از بحران هویت را نه در «تعطیل» که در استخراج منابع فرهنگی و مشارکت در فرآیند همه شمولی از پایین جستجو کرده است. پژوهشگر در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته معتقد است شایگان در دوره دوم تحولات و اندیشه‌های فکری خود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز می‌شود، مسیر اعتدال، گفتگو و توجه بیشتر به همه شمول فرهنگ‌ها را پیش گرفته و بر وجود «هویت‌ها» به جای هویتی واحد در عصر جهانی شدن تأکید می‌ورزد.

**کلید واژگان:** ایران‌شناسی، داریوش شایگان، هویت ایرانی، مدرنیته، جهانی شدن، تفکر سیار.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (Fatemeh.basri@gmail.com).

## باورهای عامیانه دوسیران

راضیه موسوی خو<sup>۱</sup>، عهدیه رئیسی<sup>۲</sup>

فرهنگ عامه بخش بزرگی از فرهنگ و ادب هر قوم و ملتی را به خود اختصاص داده و فصل درخشانی از تجارب بشری را به نمایش گذاشته است. فرهنگ عامه دارای زیرمجموعه‌هایی همچون آداب و رسوم و آیین‌ها و باورهایی است که از گذشته‌های دور با زندگی انسان‌ها درآمیخته و بسیاری از رفتارهای امروزی انسان‌ها نیز ریشه در آن دارد. بر خلاف نظر بسیاری که تصور می‌کنند فولکلور تنها مربوط به جنبه‌های مختلف زندگی پیشینیان است، اما عناصری از آن در قالب رفتارهای فردی و یا حتی اجتماعی بروز می‌کند و به زندگی انسان‌ها معنا و مفهوم می‌بخشد. از این رو، شناخت تمام عناصر فرهنگ عامه برای ما امری اجتناب‌ناپذیر است و باید با گردآوری آنها، از نابودی این میراث گرانها جلوگیری کرد. روستای دوسیران در ۵۰ کیلومتری شمال غرب کازرون در بخش کوهمره فارس واقع و در این مقاله به بررسی باورهای عامیانه مردم آن پرداخته شده است؛ مانند باورهای خاص مردم درباره تولد نوزاد، باورهای مربوط به راه‌های تشخیص جنسیت کودک، باورهای مربوط به مرگ و خواب، باورهای مربوط به افلاک و اجرام آسمانی و دیگر باورهای عامیانه آنها. همچنین برای برخی از باورها، شاهدمثال‌هایی از متون ادبی فارسی و دیوان شاعران آورده شده است؛ مانند خسرو و شیرین، هفت پیکر، لیلی و مجنون، مثنوی، گلستان و دیوان اشعار صائب، حافظ، خاقانی و... مواد زبانی این تحقیق از طریق تحقیقات کتابخانه‌ای- میدانی و از طریق مصاحبه با اهالی این روستا در سال ۱۳۹۲ جمع‌آوری شده و تا پیش از این پژوهشی در زمینه فرهنگ عامه روستای دوسیران صورت نگرفته است.

**کلمات کلیدی:** فرهنگ عامه، باورهای عامیانه، روستای دوسیران، آداب و رسوم، کوهمره.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ نویسنده مسؤول ([humamusavi66@gmail.com](mailto:humamusavi66@gmail.com)).

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران ([ahdiyehraisi@gmail.com](mailto:ahdiyehraisi@gmail.com)).

## تأثیرات جنگ‌ها و نبردهای دوره صفویه بر جغرافیای ایران

عطیه بیرقدار دستجردان<sup>۱</sup>، محمد عرفان بیرقدار دستجردان<sup>۲</sup>، مهدی اسداللهی<sup>۳</sup>

دوره صفوی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران به شمار می‌آید، چراکه با گذشت نهصد سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانی، یک دولت متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار چیرگی یابد و فرمانروایی کند. بهره‌گیری از ایدئولوژی شیعه به‌عنوان مذهب رسمی و تلاش برای گسترش آن، تأثیرات زیادی در تاریخ این دوره داشته‌است. با وجود این که دوره صفویه یکی از اعصار درخشان تاریخ ایران محسوب می‌شود، اما شکست آنها در مقابله با تهاجم گروهی افغان‌های تابعه، تحت تأثیر عوامل و دلایلی مهم‌تر از ضعف نظامی صورت گرفته‌است. دور آ صفوی که به‌دلیل رشد اجتماعی و رونق اقتصادی بستر مناسبی برای اعتلای فرهنگ ایرانی - اسلامی بوده‌است، نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که صفویان مرزهای سیاسی و جغرافیایی خود را با مذهب شیعه ترسیم می‌کردند. همین امر سبب شد که در آینده و حتی پس از تأسیس دولت - ملت‌های مدرن در ایران، نوعی مرزبندی عقیدتی مرزهای ایران ترسیم کند و در دوره‌هایی تندروی‌های شیعه باعث بروز درگیری در مناطق مرزی، و در نتیجه کوچکتر شدن ایران می‌شد.

### کلیدواژه‌گان:

جغرافیای ایران، تأثیرات، جنگ، صفویه، نبرد.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ نویسنده مسئول (atieh.bei@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی آموزش تاریخ، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران (beyraghdar1998@gmail.com).

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی آموزش تاریخ، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، بیرجند، ایران (mahdishabah22@gmail.com).

## تأثیرات متقابل اسلام و ایران از دیدگاه ادوارد براون

تهمینه رئیس‌السادات<sup>۱</sup>

هنگامی که اسلام جامعه جاهلیت عرب را تحت تأثیر خود قرار داد و آن را دگرگون ساخت، این توانایی را داشت تا در دنیای خارج از شبه جزیره عربستان تحولی شگرف ایجاد کند و روح و اعتقاد مردمانی را دورتر از این سرزمین با خود همراه سازد. با ورود اسلام به ایران، مهمترین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، پذیرش این دین جدید با تمامی ابعاد اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و... آن در بین ایرانیان می‌باشد. در این میان، چه پژوهشگران ایرانی و چه در آن سوی مرزها پژوهشگران غربی نگاهشده‌های ارزشمندی در خصوص تأثیرات متقابل اسلام و ایران تالیف کرده‌اند. در این پژوهش سعی شده است تا با روش تاریخی این تأثیرات متقابل اسلام و ایران بریکدیگر از دیدگاه ادوارد براون خاورشناس انگلیسی، نظری افکنده شود و این بحث از زاویه دید یکی از شرق‌شناسان غربی مورد تحلیل قرار گیرد. با توجه به دیدگاه‌های ادوارد براون در خصوص تأثیر گذاری اسلام در جامعه ایران مشخص می‌شود که ایرانیان با مسلمان شدن، تمامی عناصر فکری و فرهنگی و اجتماعی و... خود را از دست ندادند و نه تنها برخی از آن عناصر را نگه داشتند بلکه ایران بعدها به جامعه‌ای ایرانی-اسلامی تبدیل شد که توانست خدمات بسیاری به سرزمین‌های اسلامی زمان خود داشته باشد.

### کلیدواژه‌گان:

مستشرقان، ادوارد براون، اسلام، ایران، تأثیرات متقابل.

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (Tahmineh.r@um.ac.ir).



## تأثیر پذیری ویلیمیر خلبنیگف از داستان‌های نظامی

فرشته مشهدی‌رفیع<sup>۱</sup>

ویلیمیر خلبنیگف شاعر برجسته و ستاره فوتوریسم روسی در قرن بیستم در زمره علاقه‌مندان به ایران به شمار می‌آید. او با تاریخ و ادبیات ایران به خوبی آشنا بود و در کارنامه ادبی‌اش آثاری درخشان به چشم می‌خورد که در آنها از مایه‌های فارسی بهره گرفته‌است. خلبنیگف ادبیات فارسی را از حوزه‌های ناشناخته برای ادبیات روسی می‌دانست که رویکرد به میراث ادبی‌اش می‌تواند به «گسترش مرزهای ادبیات روسی» کمک کند. با این دیدگاه، داستان‌ها و شخصیت‌هایی را که نظامی پرورده بود دستمایه نگارش برخی از مشهورترین آثارش قرار داد. در «تله‌ای برای داوران» (۱۹۱۰)، «مدلوم و لیلی» (۱۹۱۱) و «کا» (۱۹۱۵) از سیمای لیلی و مجنون که داستان عشقشان را «بهترین داستان آرامی» می‌دانست الهام گرفت. در آبرداستان «بچه‌های سمور آبی» (۱۹۱۱-۱۹۱۳) در بخش «بادبان سوم» از درونمایه داستان «جنگ اسکندر با روسیان» که در «اسکندرنامه» نظامی به نظم درآمده، بهره می‌گیرد و با ایجاد تغییراتی در داستان، نسخه خودش را می‌سازد.

### کلیدواژه‌ها:

خلبنیگف، نظامی، لیلی و مجنون، اسکندرنامه.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ادبیات روسی، دانشگاه لوباجفسکی، نیژنی‌نوگرا، روسیه؛ مدرس زبان روسی در آموزشگاه ایران و روس (f.m.rafi@gmail.com).

## تأثیر شاعران فارسی‌زبان بر آثار شاه کریم

### گلبخت خدای برگیناوا<sup>۱</sup>

قزاقستان و ایران دو کشور همسایه هستند که از نگاه فرهنگ، رسم و سنن هر دو کشور با هم شباهت زیادی دارند. همچنین ادبیات کلاسیک غنی ایرانی بر ادبیات قزاق نیز تأثیر گذاشته است؛ مانند تأثیر شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی، داستان‌های خمسه نظامی و غزلیات حافظ. به دلیل تأثیر ادبیات فارسی به ادبیات قزاق امروزه مطالعه و تحقیق در آثار شاعران قزاقی و مقایسه آن با آثار شاعران فارسی‌زبان برای ادبیات قزاق ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله با عنوان «تأثیر شاعران ایرانی بر آثار شاه کریم»، تلاش شده است تا با بررسی همه‌جانبه آثار شاه کریم، به هدف انعکاس موارد مشترک، نظیر سبک، واژه‌ها، شیوه انتقال پیام به مخاطب، پایه افکار و نوع نگرش به جهان هستی، ضمن جلب نظر مخاطبان به تأثیر ادبیات کلاسیک ایرانی بر شاعر و نویسنده قزاق، بررسی داستان لیلی و مجنون به قلم شاه کریم و مقایسه با داستان لیلی و مجنون نظامی گنجوی و پیروی شاه کریم از مکتب مولانا پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی:

شاه کریم، داستان لیلی و مجنون، سه حقیقت، آینه قزاق.

<sup>۱</sup> ایران‌شناس از کشور قزاقستان؛ دانش‌آموخته دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## تاریخ‌نگاری ایرانی در دوره اسلامی

علی بیات<sup>۱</sup>

مفروض نگارنده در بررسی و تحلیل موضوع، نظریه وحدت در عین کثرت مربوط به ماهیت فرهنگ و تمدن و به‌ویژه تاریخ فرهنگ- تمدن اسلامی و نیز تاریخ‌نگاری اسلامی است. سنت‌ها و موارث اقوام و ملی که در جغرافیای فرهنگی جهان اسلام درآمدند، به جهان اسلام منتقل و با مبانی و وجوه مختلف معرفت تاریخی و تاریخ‌نگاری اسلامی ترکیب شد و در نتیجه، کارنامه بسیار غنی و ارزشمند تاریخ‌نگاری اسلامی پدید آمد. اما مسأله اصلی پژوهش تاریخ‌نگاری ایرانی در دوره اسلامی، چگونگی پیدایش، زمینه‌ها و عوامل موثر، دوره‌بندی، رویکردها و ویژگی‌های آن است که به روش سندی و تحلیل کیفی بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد: حفظ بنیان‌های فرهنگی- تمدنی ایران پیش از اسلام بنا به دو معیار امضاء و اصلاح، پشتوانه تاریخی و ظرفیت و کارآمدی دیوانی و فرهنگی زبان پهلوی و تغییر و تحول آن به فارسی دری و الفبای عربی، چهار دوره تاریخی، رویکرد غالب سیاسی و ویژگی درباری بودن.

### واژگان کلیدی:

تاریخ‌نگاری ایرانی، زبان فارسی، حفظ ساختار اجتماعی و هویت فرهنگی ایرانی، چهار دوره تاریخی، رویکرد سیاسی، درباری بودن.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (abayat@ut.ac.ir).

## تأملی بر سیر شکل‌گیری و ریشه‌های تاریخی

### گورستان گیلارد

هادی بابائی فلاح<sup>۱</sup>، مریم میرزایی<sup>۲</sup>

وقایع تاریخی مهم مثل شکست یهودیان از آشوریان و فتح بابل توسط کورش هخامنشی، موجب جابجایی یهودیان در ادوار پیش از پیدایش مسیحیت و اسلام گردید. درباره چگونگی مهاجرت اقوام یهودی به ایران اختلاف‌نظرهای تاریخی زیادی وجود دارد. مهم‌ترین روایت‌ها درباره این مهاجرت‌ها مربوط به دو واقعه تاریخی، یعنی شکست قوم یهود از آشوریان و فتح بابل توسط کورش هخامنشی است. بر طبق تاریخ، این دو واقعه موجب مهاجرت بخشی از یهودیان به سرزمین ایران شد. درباره نخستین شهرهای مورد اقامت قرار گرفته توسط این قوم اختلاف‌نظرهای تاریخی وجود دارد و همچنین درباره تعداد واقعی یهودیان ساکن ایران نیز اغراق‌های زیادی صورت گرفته است. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای قصد تأمل در ریشه‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین گورستان‌های یهودیان در ایران و سیر شکل‌گیری آن داشته‌است. گورستان گیلارد در شرق تهران و در دل شهر گیلارد (در جنوب شهر دماوند) به دلیل برخی از اسناد کتابخانه‌ای و شواهد میدانی، یکی از کهن‌ترین گورستان‌های یهودیان ایران است که در این مقاله پیرامون روایت‌های مختلف درباره آن بحث صورت گرفته‌است. سؤال‌های اصلی این تحقیق، صحت‌سنجی تاریخ ادعایی این گورستان و میزان وسعت آن و همچنین میزان حضور تاریخی یهودیان پیرامون این گورستان بوده‌است. بخشی از مقاله نیز بر روی آثار باقی‌مانده از این گورستان، یعنی سنگ‌ها متمرکز خواهد بود. سنجش کیفیت هنری نقوش روی این سنگ‌ها موجب درک اهمیت این گورستان و میزان درهم‌آمیختگی نقوش ایرانی و نقوش برآمده از فرهنگ یهودی خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** یهودیان ایران، گیلارد، گورستان.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری هنر اسلامی؛ استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری  
(h.babaei@richt.ir)

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی؛ مدرس دانشگاه علمی و کاربردی؛ نویسنده مسئول  
(m\_mirzaei@yahoo.com)

## تأملی در نام سکونتگاه‌های ایران؛ مطالعه موردی زرنند و کوهبنان

رضا کردی کریم‌آبادی<sup>۱</sup>

اینکه دلیل نامگذاری سکونتگاه‌های انسانی چه بوده، از پرسش‌های همیشگی پژوهشگران فرهنگ ملل بوده‌است. همچنین اینکه نام زیستگاه‌های انسانی در درازای تاریخ، چه فرایندی از تحول را طی کرده و چگونه دچار دگرگونی شده نیز به همین اندازه دارای اهمیت است. در این مقاله خواهیم کوشید با تکیه بر اسناد و متون تاریخی و جغرافیایی، متون ادبی و کتاب‌های لغت، و نیز با در نظر داشتن فرهنگ عامه به- صورت مطالعه موردی و یا درنگ در الفاظ و معانی نام‌ها، به دنبال یافتن پاسخی در خصوص وجه نامگذاری اعلام جغرافیایی در ایران برآیم. در این تحقیق حدود ۴۳۰ نام جغرافیایی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته‌است. اگرچه در برخی موارد به دلیل پیچیدگی الفاظ و نامفهوم بودن لغات، نمی‌توان ریشه کلمات و معانی آن را به آسانی دریافت؛ اما در بیشتر موارد، مطابق آنچه از این تحقیق برمی‌آید، نام-ها به سبب وجود منابع آبی زیرزمینی و بارآوری به دست مالکان و خریداران در طول زمان نامگذاری شده یا تغییر نام یافته‌اند. در برخی موارد نیز موقعیت سرزمینی و شکل زمین موجب نامگذاری برخی مکان‌ها شده‌است. در این میان، نامگذاری سکونتگاه‌ها در مناطق جلگه‌ای تفاوت معناداری با نامگذاری در مناطق کوهستانی داشته‌است.

### واژگان کلیدی:

ایران، سکونتگاه‌ها، کرمان، زرنند، کوهبنان.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند، زرنند، ایران (rezakordi275@chmail.ir).

## تجلی اشعار شاهنامه بر کاشی‌ها و سفالینه‌های دوران اسلامی

فتانه رحیمی<sup>۱</sup>

در پایان قرن چهارم و شروع قرن پنج هجری قمری با حضور شاعران و ادیبانی چون رودکی، دقیقی، فردوسی... و همزمان با توسعه خط و ادبیات، هنر سفالگری نیز تحول بنیادین می‌یابد. با منع تصویرنگاری بر آثار هنری، نگارش بر روی سفالینه‌ها و کاشی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. این نوشته‌ها بیشتر تحت تأثیر ادبیات زمان، اسطوره‌ها، باورهای مذهبی، زندگی روزمره است. شاهنامه سندی موثق و گویا از عظمت ایران و ایرانی و مملو از آداب، اندیشه‌ها و تفکرات مدنی و اخلاقی و فرهنگ ایران باستان است. این اثر بی‌نظیر با پرداختن منطقی به داستان‌ها و حکایات، به شخصیت‌های آن روح تازه‌ای می‌بخشد که با نگاهی گذرا به آثار به‌جامانده این ادعای ما به اثبات می‌رسد؛ بر همگان مبرهن است این ادبیات شاهنامه است که زبان فارسی را زنده نگه داشته است. در این پروژه سعی شده بر اساس شناخت و شناسایی اشعار شاهنامه بر روی برخی از آثار سفالی و کاشی در قرون مختلف از ابتدای سروده شدن شاهنامه، به این سؤال‌ها زیر پاسخ داده شود: چرا این اشعار بر کاشی‌ها و سفالینه‌ها انعکاس یافت؟ بیشتر کدامیک از مضامین اشعار شاهنامه بر سفالینه‌ها و کاشی‌های دوران اسلامی نقش بسته؟ آیا بین اشعار شاهنامه بر آثار سفالی و کاشی‌ها با کاربری آنها در اماکن مختلف رابطه‌ای مستقیم وجود داشته؟ روش جمع‌آوری داده‌های مقاله از نوع کتابخانه‌ای- میدانی است که در نهایت برای نخستین بار به شناسایی و طبقه‌بندی اشعار شاهنامه بر آثار سفالی و کاشی در دوران اسلامی می‌پردازد.

### کلمات کلیدی:

اشعار فارسی، شاهنامه فردوسی، کاشی، سفال، دوران اسلامی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران  
(parisarahimi.a@gmail.com)

## تحلیل پیکره‌بنیاد مقالات و اولویت‌های مطالعاتی نشریات ایران‌شناسی شاخص غرب

(۲۰۲۰-۲۰۲۴)

امیر رضائی پناه<sup>۱</sup>

هدف مقاله پیش رو ارائه و بازنمایی یک تحلیل پیکره‌بنیاد از مقالات و مندرجات نشریات ایران‌شناسی شاخص غرب است. به دیگر سخن، در این جستار ضمن تحلیل محتوای خروجی‌ها و مقالات نشریات ایران‌شناسی در جهان غرب از سال ۲۰۲۰ تا کنون، کوشیده می‌شود اولویت‌ها و نقاط اصلی تمرکز مطالعاتی و پژوهشی احصا و خط سیر آنها طراحی گردد. در حوزه بنیادهای نظری و روش‌شناختی، از فراتحلیل یا تحلیل تحلیل‌ها و نیز تحلیل پیکره‌بنیاد استفاده می‌شود. با ادغام فراتحلیل و روش‌شناسی تحلیل پیکره بنیاد، امکان بهره‌گیری از دو شیوه و ظرفیت تحلیل‌های کیفی و کمی فراهم خواهد آمد. تحلیل کمی این اثر با استفاده از نرم‌افزارهای انت‌کانک و لنکس‌باکس انجام می‌شود. این تحلیل به شناسایی نشانه‌های کانونی هر یک از نشریه‌ها کمک می‌کند. در روش تحلیل پیکره‌بنیاد که با استفاده از نرم‌افزارهای لنکس‌باکس و انت‌کانک انجام می‌شود، امکان تحلیل مفاهیم به دور از سوگیری و نظرات و منافع فردی فراهم می‌شود و با به دست آوردن بسامد واژه‌ها، می‌توان مفاهیم کانونی و کلیدواژه‌های هر یک از گفتمان‌ها را به دست آورد. افزون بر این، بررسی توالی واژه‌ها امکان رمزگشایی از تمرکز خاصی را فراهم می‌کند که در متن یا پیکره وجود دارد. چنین واژه‌هایی نشانگر گفتمان‌ها هستند. در براینده نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد نشریات حوزه ایران‌شناسی طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله تاریخی، سیاسی، دینی، زبان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، علمی و قومی را در برمی‌گیرند. عموم این نشریات در حوزه علمی خاص خود فعالیت داشته و موضع‌گیری سیاسی شدیدی به‌ویژه نسبت به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ندارند. در واقع، این نشریات با توجه به الزامات علمی و پژوهشی موجود، حساسیت و اثرپذیری چندان شاخصی نسبت به روندهای روز سیاسی-اجتماعی ندارند.

**کلیدواژه‌ها:** نشریات ایران‌شناسی غرب، تحلیل پیکره‌بنیاد<sup>۲</sup>، فراتحلیل، تحلیل کیفی و کمی، نرم‌افزارهای انت‌کانک<sup>۳</sup> و لنکس‌باکس<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول (a\_rezaeipanah@sbu.ac.ir).

<sup>۲</sup> Corpus-based

<sup>۳</sup> AntConc

<sup>۴</sup> Lanksbox

## تحلیل گفتمان جریان‌ها و نهادهای ایران‌شناسی در اروپا و آمریکا

امیر رضایی پناه<sup>۱</sup>

پژوهش پیش رو به دنبال بازنمایی و تحلیل نظام نشانه‌شناسی، سامانه مفصل‌بندی و منطق هویتی حاکم بر گفتمان‌ها و جریان‌شناسی بنیادها و مراکز ایران‌شناسی در اروپا و آمریکاست. هدف فهم جریان‌ها و گفتمان‌های اصلی حاکم بر بنیادها و کرسی‌های ایران‌شناسی برجسته در مغرب‌زمین است. پرسش این که چه نظام معنایی و منطق و ساختار گفتمانی و فکری بر این بنیادها و کرسی‌ها حاکم است، آن‌ها خود را در قالب چه نظام روایت‌بنیادی بازنمایی می‌کنند و اعضای تشکیل‌دهنده آن عموماً از چه بافت و خاستگاه (اعم از طبقه و شان اجتماعی و اقتصادی) فرهنگی - اجتماعی به‌ویژه در میان دیاسپورای ایرانی هستند؟ در گام نخست چیزی حدود ۳۵۰ بنیاد، مرکز آموزشی زبان فارسی، مرکز پژوهشی ایران‌شناسی، مؤسسه مطالعاتی، انجمن و... برحسب رویکردهای موضوعی و حوزه‌های مطالعاتی شناسایی و طبقه‌بندی گشته و سپس به تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی آن‌ها مبادرت ورزیده شده است. در نهایت نیز روایت‌شناسی و منطق هویتی این مراکز و بنیادها تجزیه و تحلیل شده است و سه سطح خرد، میانه و کلان و سه بخش توصیف، تفسیر و تبیین مدنظر بوده است. مقوله‌بندی مراکز و بنیادها در نهایت به هفت گفتمان و جریان اصلی منتهی شده که عبارتند از: گفتمان باستان‌گرا - تاریخی، گفتمان علمی و دانشگاهی، گفتمان اسلام‌گرا و فلسفی - سنت‌گرا، گفتمان زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی، گفتمان هنری - ادبی و گفتمان فرهنگی - اجتماعی. این گفتمان‌ها و جریان‌ها خرده‌گفتمان‌ها و خرده‌جریان‌هایی را ذیل خود دارند. روش‌شناسی پژوهش استوار بر تحلیل گفتمان انتقادی خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** بنیادها و مراکز ایران‌شناسی غرب، نشانه‌شناسی، هویت، روایت، دیاسپورای ایرانی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (a\_rezaeipanah@sbu.ac.ir).



## تحلیل محتوای روزنامه وقایع اتفاقیه در زمینه بهداشت

مژگان مداحی<sup>۱</sup>، منصوره اتحادیه<sup>۲</sup>

وقایع اتفاقیه سومین روزنامه ایرانی و اولین روزنامه رسمی دولت ایران بود. این روزنامه به دستور میرزاتقی خان امیر کبیر منتشر می‌شد. از روزنامه وقایع اتفاقیه مجموعاً ۴۷۱ شماره منتشر شد و از شماره ۴۷۲ به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام پیدا کرد. روزنامه به صورت هفتگی چاپ و برای ولایات هم ارسال می‌شد. اخبار مربوط به دارالفنون مانند بازدید شاه از مدرسه، پیشرفت دانش آموزان، اقدامات استادان مانند جراحی‌هایی که پولاک انجام می‌داد، در وقایع اتفاقیه ثبت و گزارش می‌شد. همچنین در مورد بیماری‌ها، بهداشت و واکسیناسیون آبله، مطالب زیادی در آن درج شده بود یا در همه‌گیری‌های وبا در تهران و سایر شهرها گزارش‌های مختلف در این مورد به چشم می‌خورد. هرچند به‌عنوان روزنامه دولتی و زیر نظر دربار، از جهت‌گیری برکنار نبوده؛ اما می‌توان آن را منبع باارزشی در مورد امراض شایع در دوره قاجار به شمار آورد. این مقاله با تکیه بر مندرجات روزنامه وقایع اتفاقیه و منابع دیگر و با روش تحلیل محتوا، سعی دارد گفتمان حاکم بر این روزنامه را در اشاعه آموزه‌های بهداشتی در جامعه روشن سازد.

### واژگان کلیدی:

روزنامه وقایع اتفاقیه، بهداشت، قاجاریه، تحلیل محتوا.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ نویسنده مسؤول (Mozghanmaddahi27@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ، دانشگاه ادینبرو، اسکاتلند؛ استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران (mmmafi@gmail.com).

## تحلیلی بر کنش و منش داریوش اول هخامنشی در نگرش ایران‌شناسان مارکیستی

شهناز حجتی نجف‌آبادی<sup>۱</sup>

مطابق نظریه ماتریالیسم تاریخی تکامل‌گرای تک‌خطی مارکس و انگلس در قرن نوزدهم، تنها کشورهای اروپای غربی در مسیر تاریخی خویش مراحل کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم را پشت سر گذاشته‌اند یا می‌گذارند. برخلاف این نظریه، ایران‌شناسان مارکیستی روسی بر آنند که همه کشورهای در طول تاریخ خویش مراحل مذکور را طی می‌نمایند. این جریان فکری بر اساس همین نظریه، مبلغ اندیشه‌های سوسیالیستی و کمونیستی شوروی در سطح جهانی بود. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م و در پی اظهارات لنین و بیانیه کنفرانس لنین‌گراد در ترویج مبانی سوسیالیسم جهانی مدنظر شوروی، ایران‌شناسی جایگاه برجسته‌ای در مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی ایران‌شناسان روسی یافت. بر این اساس هدف محققان مذکور این بود که با اتکا به ایدئولوژی مارکیسم لنینیسم کلاسیک و ولادیمیر لنین، ساختارهای اجتماعی حکومت‌های ایران را بر اساس مراحل پنج‌گانه تبیین نمایند. بر این اساس، در نگرش مورخان مارکیستی از دوره مادها تا پایان دوره اشکانی، تاریخ ایران در شکل برده‌داری صورت‌بندی؛ هخامنشیان در فرم یک حکومت برده‌دار تلقی و داریوش اول به‌عنوان یکی از شاهنشاهان شاخص در نگرش این دست مورخان در نظر گرفته می‌شد. مسأله پژوهش حاضر چگونگی و چرایی بازنمایی کنش و منش داریوش اول هخامنشی در این دست روایت‌هاست. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در این دست روایات تاریخی، شخصیت داریوش به‌عنوان یک شاه مستبد و دوره حکومت وی به‌عنوان دوره حاکمیت استبداد شناخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** ایران‌شناسان مارکیستی - لنینیستی، هخامنشیان، داریوش اول، برده‌داری، استبداد، استثمار.

<sup>۱</sup> استادیار گروه ایران‌شناسی و تاریخ دانشگاه میبد (hojati@meybod.ac.ir).

## تحولات جغرافیای تاریخی کاشان از نخستین سده‌های دوره اسلامی تا حکومت قاجار

رضا نمازی<sup>۱</sup>

برای شناخت بهتر یک منطقه در گذر زمان، بررسی جغرافیای تاریخی آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های جغرافیایی گذشته به شیوه بررسی وقایع در یک زمان یا ارزیابی آنها با توجه به تحولات تاریخی گذشته است؛ لذا با بهره‌گیری از دانش جغرافیای تاریخی، می‌توان روند تکامل تاریخی یک شهر را دنبال کرد. کاشان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و واقع بودن بر سر راه‌های تجاری و مجاری ارتباطی که همواره نقش مهمی در حیات فرهنگی این منطقه نیز ایفا کرده، در تمامی ادوار تاریخی ایران مرکزی از جایگاه مناسبی برخوردار بوده است. لذا ارائه پژوهشی درباره جغرافیای تاریخی آن ضروری می‌نماید. بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، با رویکردی تاریخی و به شیوه کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها، ضمن تبیین جغرافیای تاریخی کاشان، فراز و فرود حکومت‌های این منطقه در دوره اسلامی تا پایان حکومت قاجار مورد بررسی قرار گیرد.

### واژگان کلیدی:

تاریخ، جغرافیای تاریخی، دوره اسلامی، کاشان.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران ([rezanamazi@ut.ac.ir](mailto:rezanamazi@ut.ac.ir)).

## ترجمه تاریخ طبری از منظر ترجمه پژوهی

نازیلا خلخالی<sup>۱</sup>

در اهمیت دو اثر بزرگ *تاریخ الرسل و الملوک* و *تاریخ طبری* تا کنون ایران‌شناسان و خاورشناسان بسیار نوشته‌اند. اگر نخستین اثر جزو منابع موثق، بی طرف و امانتدار در حوزه تاریخ‌نگاری به شمار می‌آید، دومی نیز هم از نظر تاریخی و هم ادبی در ادبیات فارسی اهمیت به‌سزایی دارد. گمان بر آن است که این اثر ماندگار را ابوعلی بلعمی وزیر ابونصر سامانی (تصحیح مشترک ملک‌الشعراى بهار و محمد پروین گنابادی) ترجمه کرده‌است. با این‌همه، اغلب محققان بر این باورند که بلعمی ناظر گروهی از مترجمان بوده‌است (محمد قزوینی، ذبیح‌الله صفا و محمد روشن) و حتی به اختلاف سبک در این ترجمه اشاره می‌کنند. این نکته را از نظر دور نباید داشت که تعداد مجلدات *تاریخ طبری* به‌عربی (بالغ بر هجده جلد)، ترجمه انگلیسی: *چهل جلد*) و *تاریخ به اصطلاح بلعمی* (نهایتاً در تصحیح دکتر روشن شامل پنج جلد) نشان از گزینشی بودن ترجمه دارد. در کار تحقیقی خود بر آن هستم تا از منظر مطالعات ترجمه، این دو اثر عظیم تاریخی را با توجه به منابع در دسترس و تحقیقات محققان، سطر به سطر مقابله کنم و نخستین یافته‌ها از زاویه دید ترجمه و چارچوب نظری کار را مطرح کنم.

### کلیدواژگان:

تاریخ الامم و الرسل و الملوک، *تاریخ‌نامه طبری*، ابوعلی بلعمی، ابونصر سامانی، محمد قزوینی، ملک‌الشعراى بهار، محمد پروین گنابادی، محمد روشن، ذبیح‌الله صفا.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه آتاوا، آنتاریو، کانادا؛ مترجم آثار ایران‌شناسان از انگلیسی و فرانسوی به فارسی (nkhalxali@gmail.com).

## تصویر فرهنگی - اجتماعی اصفهان عصر قاجار از منظر ارنست هولتسر

فرشته درخشش<sup>۱</sup>

ایران زمین از دیرباز به دلایل متعدد مورد توجه کشورهای دیگر قرار داشته است. جهانگردانی که به دلایل مختلف سفر می‌کنند و تجربیات خود را از دنیای دیگر به جهان مخابره می‌کنند، در شکل‌گیری یک تصویر از کشور بیگانه سهیم هستند. با شروع عصر قاجار، ارتباط ایران با جهان به خصوص کشورهای غربی وسعت گرفت و زمینه حضور بیگانگان را بیش از پیش فراهم کرد. ارنست هولتسر، مهندس آلمانی، برای نصب خطوط تلگراف به ایران آمد و دلبستگی به ایران، موجب اقامت مادام‌العمر وی در اصفهان شد. او در طی ۲۷ سال، مجموعه نوشته‌ها و عکس‌های ارزشمندی از اصفهان و مردم آن پدید آورد. از مجموع یافته‌های این پژوهش چنین به نظر می‌رسد که ارنست هولتسر نگاهی جامع، شفاف و واقع‌گرایانه به اصفهان عصر قاجار داشته است. وی آشکارا تغییرات مهمی را که در افکار و سبک زندگی مردم ایران به دلیل اخذ فرهنگ اروپایی رخ داده، به تصویر می‌کشد. برآیند مطالعه آثار هولتسر نگاهی را نمایان می‌سازد که منصفانه و بدون غرض‌ورزی به تمام جلوه‌های خوب و بد فرهنگ «دیگری» می‌نگرد.

### کلیدواژگان:

ادبیات تطبیقی، ارنست هولتسر، اصفهان، ایران‌شناسی، تصویرشناسی، عصر قاجار.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی - گرایش ادبیات تطبیقی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (Orangebackpack2012@gmail.com).

## جغرافیای زبان کردی در ایران

ژینا محمدی<sup>۱</sup>

در جامعه‌های زبانی همیشه همه افراد، یک‌زبانه نیستند و ممکن است بسیاری از آنان، به بیش از یک زبان، آشنایی یا تسلط داشته باشند. همچنین ممکن است در سطح یک جامعه، بیش از یک زبان برای برآوردن نیازهای ارتباطی به کار گرفته شود. این پژوهش با هدف شناخت جامعه زبانی کردها در استان‌های غیر کرد زبان صورت گرفته است. بر پایه اهداف این پژوهش، پرسش‌هایی پیرامون خاستگاه، قدمت، گویش‌ها، لهجه‌ها، محدوده زبانی و گستره جغرافیایی زبان کردی مطرح گردید. برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از متون علمی نوشتاری (تالیف و ترجمه) و روش‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) و توصیفی - تحلیلی، بهره برده‌ایم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: در متون تاریخی واژه کرد به مردمانی ایرانی تبار گفته می‌شود که امروزه در بخش‌هایی از خاورمیانه، اروپا، شمال شرقی، شمال غربی و غرب ایران زندگی می‌کنند. این مردمان به زبان کردی و با گویش‌های شناخته‌شده کرمانجی شمالی، کرمانجی میانی، کرمانجی جنوبی و گورانی (زیبایی) صحبت می‌کنند. لهجه گوران (زازا) را از کهن‌ترین گویش‌های کردی دانسته‌اند و بر این عقیده هستند که بخشی از گاتای اوستا به این گویش نگارش شده است.

### واژگان کلیدی:

کردی، گویش‌ها، لهجه کردی، قدمت، محدوده زبانی.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ایران‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (jinna2351@gmail.com).

## جلوه‌گری فرهنگ و محیط زیست در نگاره‌های بدیع و بدوی هنر «چوتاشی» شمال ایران

مصطفی رستمی<sup>۱</sup>

چوتاشی از جمله اصیل‌ترین هنرهای ناحیه جنگلی شمال ایران، به‌ویژه مازندران و گیلان، است که در نحوه ساخت و پرداخت، شباهت‌های زیادی با هنر کنده‌کاری و منبت‌روی چوب دارد و محصولات آن اغلب شامل ابزار و وسایل خانگی روزمره (نظیر جام‌ها و ظرف‌های مختلف و دیگر وسایل پخت و پز) و گاهی برخی عناصر معماری روستایی (نظیر نرده، ستون، سرستون و...) و دیگر وسایل ابزار مورد نیاز زندگی است. چیزی که به هنگام بررسی این آثار دیدگان را به خود جلب می‌کند، علاوه بر سادگی و بی‌تکلفی در ساخت، نقش‌های متنوع بدیع، بدوی و ذهنی است که با تأییدپذیری از محیط زیست و فرهنگ زندگی روزمره مردم شمال ایران در قالب فرم و نقش‌های ساده انتزاعی، خلق و بر روی محصولات کنده‌کاری می‌شوند. در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی انجام گردید، نقش‌مایه‌های هنر چوتاشی در قالب طبقه‌بندی آنها از حیث تنوع و کاربرد و چگونگی تأثیرپذیری از محیط زیست و فرهنگ مردم منطقه بر اساس مطالعات میدانی آثار موجود مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که نگاره‌های بدیع و بدوی انتزاعی به‌کاررفته در هنر چوتاشی شمال ایران برگرفته از حیوانات (به‌ویژه پرندگان، چهارپایان و درندگان)، کوه‌ها، درختان و دریا - برگرفته از فرهنگ مردم و محیط زیست منطقه - در قالب خطوط شکسته و منحنی هندسی و یا فرم‌های حجمی در قالب ظرف یا ابزار است.

**واژه‌های کلیدی:** هنر چوتاشی، ایران، نقش‌ها، هنرهای بومی، صنایع دستی.

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی گروه پژوهش هنر، دانشگاه مازندران، ایران (m.rostami@umz.ac.ir).

## چگونه برای کودکان و نوجوانان از ایران سخن بگوییم؟

علی اصغر سیدآبادی<sup>۱</sup>

داده‌های اجتماعی نشان می‌دهند علی‌رغم دموکراتیک‌تر شدن خانواده‌های ایرانی، تصویری که از ایران در ذهن کودکان و نوجوانان ساخته می‌شود، تصویری یکسره منفی است؛ به گونه‌ای که برخی از آنان به دنیا آمدن در ایران را کم‌اقبالی (شانس بد) می‌دانند و خیال می‌کنند در تاریخ‌ترین جای جهان زندگی می‌کنند. بسیاری از افراد این نسل گوش بر تعریف و تمجید از شکوه ایران باستان یا زیبایی‌های ایران کنونی بسته‌اند؛ یا دست کم با معنایی که ما از ایران داریم، همدلی و همنوایی ندارند. پرسش اصلی مقاله این است که برای چنین نسلی، چگونه باید از ایران گفت؟ این مقاله با فراتحلیل برخی پیمایش‌های ملی می‌کوشد ضمن برشمردن ویژگی‌های نوپدید این نسل، تصویری را که آنان از ایران در ذهن دارند، توصیف کند. سپس از این منظر با روش کتابخانه‌ای اولین تلاش‌های رسمی و آلترناتیو برای «گفتن از ایران» برای کودکان در دوره ناصری و تجربه‌های جلال‌الدین میرزا و محمدحسین و محمدعلی فروغی را توضیح می‌دهد و کوشش‌ها و تجربه‌های دیگر را تا امروز مرور و ویژگی‌هایشان را بیان می‌کند. هدف مقاله این است که ضمن بررسی انتقادی گفتمان‌های حاکم بر «گفتن از ایران» در طول ۱۵۰ سال اخیر برای کودکان و نوجوانان، توصیفی از چالش‌های نوشتن و گفتن از ایران بیان و با ارجاع به برخی تجربه‌های موفق پیشنهادهایی برای رفع این چالش‌ها ارائه کند.

### کلیدواژه‌ها:

کودکان و نوجوانان، تاریخ ایران، کتاب کودک و نوجوان، کتاب تاریخ، مدرسه، شورای معارف، کتاب درسی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (aseidabadi@gmail.com).



## دوران‌های شکل‌گیری مشترکات و تأثیرات ایرانی-ارمنی در پهنه‌های باورها، آداب و سنن، تاریخ، زبان و ادبیات

آندرانیک سیمونی<sup>۱</sup>

در این پژوهش رئوس مشترکات و تأثیرات اقوام ایرانی-ارمنی بر اساس یک لایه‌بندی تاریخی-فرهنگی به‌ترتیب اولویت زمانی ارائه خواهد شد که از دوران باستان، شامل دوران فروپاشی قوم اولیه هند و اروپایی و مهاجرت و استقرار در سرزمین‌های تازه و شکل‌گیری انواع اتنیک جدید حاصل ترکیب با انواع اقوام محلی آغاز می‌شود. دوران کهن، عصر نظام‌های نام‌آشنای ایرانی است؛ دوران حاکمیت هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان. پذیرش سلطه دین زرتشت در ایران و مسیحیت در ارمنستان در همین دوران پدید می‌آید که سپس با شکل‌گیری زبان نوشتاری ارمنی و عصر طلایی ادبیات ارمنی در نیمه اول قرن پنجم میلادی دنبال می‌شود. منابع ارمنی سرشار از اطلاعات ذی‌قیمت درباره ایران اشکانی و ساسانی، و وام‌واژه‌های ایرانی در زبان ارمنی هستند. دوران استیلای عرب آغاز عصر باور به ادیان ابراهیمی برای دو ملت، دوران احیای حاکمیت ملی و شکل‌گیری حماسه ملی، و ضامن تجدید حیات روان‌شناختی خودباورانه ملی است. تهاجم و استیلای اقوام زردپوست، انقراض امپراتوری جهانی اسلامی را به دنبال دارد. قرون ۱۲ تا ۱۸ دوران تأثیرات گسترده ادبیات ایران بر ادبیات میانه ارمنی و برآمدن واژگان فارسی در شعر ارمنی است. قرار گرفتن قفقاز جنوبی تحت انقیاد روسیه تزاری، جنبه‌هایی مثبت و منفی بر ارمنستان و روابط آن با ایران دارد. قرون نوزدهم و بیستم، دوران تحولات عظیم جهانی و خفتگی قاجاری ایران و دوران جنگ جهانی اول و نسل‌کشی ارمنیان در ترکیه عثمانی و عصر انقلابات و جنبش‌های اجتماعی در منطقه است که به دوران معاصر، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی اتحاد شوروی و دوران جدید گسترش و تعمیق و تطور روابط دو ملت می‌انجامد.

**واژگان کلیدی:** ایران، ارمنستان، باورها، آداب و سنن، تاریخ، زبان، ادبیات.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و تاریخ ارمنستان، دانشگاه دولتی ایروان، ایروان، ارمنستان؛ عضو هیأت علمی و مدیر گروه زبان و ادبیات ارمنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (atsimon7@gmail.com).

## رشته ایران‌شناسی؛ یک بررسی انتقادی

علی‌اکبر مسگر<sup>۱</sup>، سارا اخروی<sup>۲</sup>

از تشکیل نخستین کنگره شرق‌شناسی در سال ۱۸۷۳م در پاریس تا برگزاری آخرین کنگره آن درست یکصد سال بعد از آن و برپایی کنگره‌های ایران‌شناسی در ایران به‌همت مرحوم استاد ایرج افشار، واژه ایران‌شناسی دستخوش تطورات معنایی و واژگانی متعددی شده‌است. از «مطالعات ایرانی»<sup>۳</sup> تا اصطلاح «ایران‌سیم»<sup>۴</sup> تا «ایرانولوژی» و اخیراً «ایران‌پژوهی»، نمونه‌هایی از برداشت‌های گوناگون از دانشی به‌نام «ایران‌شناسی» است. تکرر واژگان مزبور نه صرفاً مجادله بر سر گزینش واژه‌ای دقیق برای یک عنوان، بلکه مناقشه‌ای جدی بر سر ابژه‌ای مطالعاتی و محتوای دانشی آن قلمرو فکری بوده‌است. اگر ایران‌شناسی علمی است که تاریخ، ادبیات، فرهنگ، تمدن، نسخ خطی، میراث هنری و... را مطالعه می‌کند، برابرنهاد هر کدام از موضوعات یادشده، رشته علمی مستقلی در دانشگاه‌های ایران تأسیس شده و به کار خود ادامه می‌دهد. پس کارویژه دانش ایران‌شناسی چیست؟ این پژوهش در پی آن است تا انگیزه‌های تأسیس رشته ایران‌شناسی در دانشگاه‌های ایران را بررسی و به‌عنوان پیشنهاد به تأسی از سید جواد طباطبایی ایران را به-مثابه یک «موضع اندیشیدن»<sup>۵</sup> معرفی نماید.

### واژگان کلیدی:

ایران‌شناسی، ایران‌پژوهی، شرق‌شناسی، رشته دانشگاهی.

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه مازندران (a.mesgar@umz.ac.ir).

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (saraokhravi90@gmail.com).

<sup>۳</sup> Iranian Studies

<sup>۴</sup> Iranism

<sup>۵</sup> ایستمه.

## زبان‌شناسی میدانی در ایران:

### والنتین ژوکفسکی، اولین محقق گویش‌های ایرانی از روسیه

النا مولچانوا<sup>۱</sup>

والنتین ژوکفسکی (۱۸۵۸-۱۹۱۸م / ۱۲۳۷-۱۲۹۶خ)، استاد دانشگاه سن‌پترزبورگ، به‌عنوان یکی از بنیانگذاران مکتب شرق‌شناسی سن‌پترزبورگ شناخته می‌شود. مطالعه و بررسی زبان زنده فارسی و گویش‌های ایرانی در مناطق گوناگون ایران دل‌بستگی اصلی ژوکفسکی بود. بررسی میدانی در رشته گویش‌شناسی ایرانی، از خدمات او به‌شمار می‌آید. اثر اصلی ژوکفسکی در زمینه گویش‌شناسی، «مطالبی برای تحقیق گویش فارسی» است. مطالب این کتاب مربوط به گویش‌های متعدد ایران مرکزی و غربی است که در مدت سه سال (۱۸۸۳-۱۸۸۶م / ۱۲۶۲-۱۲۶۵خ) از مسافرت‌های علمی این پژوهشگر جمع شده‌بود. این اثر دارای سه جلد است؛ دو جلد آن بعد از وفات ژوکفسکی منتشر شد. جلد نخست (۱۸۸۸م، سن‌پترزبورگ) دربردارنده یادداشتهایی است که از دهات اطراف کاشان، یعنی وانسون، قُهرود و کِشه، برداشته شده‌بود؛ از جمله بعضی جمله‌های گفتاری، چند متن نثر فارسی که به هر چهار گویش ترجمه شده، و چند قطعه شعر به گویش این دهات. در همین جلد، واژه‌نامه‌ای هست که کلمات فارسی به‌جای عنوان استفاده می‌شود. گزارش کوتاه دستوری برای این گروه گویش‌های ایرانی که به این جلد پیوست شد، اغلب ویژگی‌های چهار گویش نامبرده را نسبت به زبان فارسی نشان می‌دهد. جلد دوم کتاب گویش‌های دهات اطراف اصفهان و شیراز، و جلد سوم گویش بختیاریان چهارلنگ و هفت‌لنگ را در بر می‌گیرد. ژوکفسکی به آنهایی که مشغول بررسی میدانی هستند، توصیه می‌کند: «باید مطالبی از پاسخگوییانی گردآوری کرد که به‌دلیلی، هیچ‌گاه از محل خود خارج نشده یا به‌ندرت خارج شده‌اند». تحقیقات والنتین ژوکفسکی تأثیر نیرومندی بر توسعه گویش‌شناسی میدانی در روسیه و ایران و سایر کشورهای جهان داشته‌است.

**کلیدواژه‌ها:** والنتین ژوکفسکی، روسیه، سن‌پترزبورگ، گویش‌شناسی ایرانی، قرن نوزدهم.

<sup>۱</sup> ایران‌شناس از کشور روسیه؛ پژوهشگر گروه زبان‌های ایرانی، مؤسسه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه  
(e\_molchanova@mail.ru)

## زبان‌های ایران و زبان‌های ایرانی

علی چراغی<sup>۱</sup>

فرهنگ ایرانی، جسمی صلب و سخت و ثابت و یکدست نیست بلکه خود از خرده فرهنگ‌های پرشماری تشکیل شده است که علی‌رغم دارا بودن خصوصیات کلی فرهنگ ایرانی، هرکدام از این خرده فرهنگ‌ها مشخصات منحصر بفرد خود را داشته که موجب متمایز شدن آنها در درون فرهنگ بزرگ و گسترده ایرانی می‌گردد. برخی از این خرده فرهنگ‌ها بواسطه ویژگی‌های زبانی از سایر خرده فرهنگ‌های ایرانی متمایز می‌شوند. بین دو مفهوم «زبان‌های ایران» و «زبان‌های ایرانی» می‌توان تمایز قائل شد. باز تعریف مفهوم ایران در دنیای مدرن امروزی نیاز به توجه ویژه به خرده فرهنگ‌های ایران و ویژگی‌های متمایز کننده آنها همانند زبان و گویش دارد. در ایران بغیر از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی، که دارای ارتباط زبان‌شناختی با یکدیگر هستند، زبان‌های متعدد دیگری از خانواده‌های زبانی هند و اروپایی، هند و آریایی، آلتایی، سامی، قفقازی، دراویدی و برخی دیگر زبان‌ها حضور دارند. لذا علی‌رغم نقش بی‌بدیل زبان فارسی در ساخت هویت ایرانی، معرفی و شناخت سایر زبان‌های این حوزه فرهنگی (اعم از زبان‌های ایرانی و یا سایر زبان‌ها) در مطالعات ایران‌شناسی، بخصوص در مطالعات اقوام و خرده فرهنگ‌های ایرانی، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

### واژگان کلیدی:

زبان فارسی، زبان‌های ایرانی، زبان‌های ایران، خانواده زبان‌های ایران، خانواده زبان‌های آلتایی، خانواده زبان‌های سامی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (ali\_cheraghi@yahoo.com).

## سرمایه‌گذاری در هویت ایرانی؟

سیروس فیضی<sup>۱</sup>

هویت ایرانی ما حاصل سرمایه‌گذاری فرهنگی ما در دوران مختلف تاریخ بوده‌است. در روزگار کنونی، درحالی‌که ما به غنای هویت تاریخی خود می‌بالیم، ملت‌های نرسیده‌ی زیادی می‌بینیم که در جستجوی کورسوهایی از هویتشان در تاریخ هر قدر کوشش می‌کنند، درمانده‌اند و در آینده‌ی تاریخ دیده نمی‌شوند. اما غنای هویتی ما هم هر چه باشد، تاریخی است و مسأله‌ای که پیش می‌آید این است که ما چه سرمایه‌ای برای آیندگان می‌خواهیم بگذاریم تا امروزمان در آینده تاریخی به نیکی و بزرگی دیده شود. ملت‌های خبیر می‌دانند که در آتیه، روزگار امروز را در تاریخ ورق خواهند زد و از این رو، برای آینده هم می‌کوشند و به جهت هویت شایسته و بایسته‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنند تا آیندگان نام نیک این مردمان را هم در خاطر خود نگاه دارد. در روزگار کنونی، ما باستان‌گرایی دوره پهلوی را کنار نهادیم و قدری به ایرانشهر اسلامی که همان جغرافیای شیعه است، پرداختیم. اما این توجه ما چندان مهم و تأثیرگذار نبوده و به عبارتی، استمرار عظمت گذشته و تاریخ‌سازی نبوده و مسأله این مقاله همین جاست که چرا چندان توجهی مهم و تأثیرگذار نداشته‌ایم. مقاله به اینجا می‌رسد که ما به ایران‌شناسی چندان نپرداخته‌ایم و حتی گرایش به ایرانشهر اسلامی، چندان روشمند و فرهنگی و به قصد سرمایه‌گذاری در هویت ایرانی نبوده و بلکه با اغراض سیاسی آمیخته و آلوده است. هدف مقاله، «بیداری» و تأکید بر سرمایه‌گذاری در هویت ایرانی است.

### واژگان کلیدی:

ایران‌شناسی، هویت ایرانی، ایران باستان، ایرانشهر، ایران امروز.

<sup>۱</sup> استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران (cfaizee@ut.ac.ir).

## سیری در آثار و اندیشه‌های ولادیمیر مینورسکی، ایران‌شناس برجسته روسی

مهناز نوروزی<sup>۱</sup>، زهرا طاهری<sup>۲</sup>

عوامل متعدّد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روس‌ها را از سده هجدهم بر این واداشت تا شرق‌شناسی را آغاز کنند. شرق‌شناسی شاخه‌های متعدّدی را از جمله ایران‌شناسی در برمی‌گیرد که در روسیه قدمتی بیش از سیصد سال دارد. به‌طور کلی، تحولات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی را در روسیه می‌توان به سه جریان تاریخی نسبت داد: جریان اول، دوران پتر کبیر و پیش از وقوع انقلاب اکتبر؛ جریان دوم، دوران شوروی و جریان سوم، ایران‌شناسی در عصر حاضر. اگرچه در تمام این برهه‌ها ایران‌شناسی و مطالعات ایران در روسیه همیشه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همچنان، با گسترش روابط بین این دو کشور بر اهمیت آن افزوده می‌شود، اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که تلاش‌های ایران‌شناسان روسی در دوران شوروی تأثیر زیاد و قابل‌تأملی بر حیات کنونی این جریان داشته است. یکی از شاخص‌ترین شرق‌شناسان مکتب روسیه در این دوران، ولادیمیر مینورسکی بود. در مقاله پیش‌رو با سیری در آثار و اندیشه‌های این مستشرق برجسته به اهمیت و ارزش‌مندی فعالیت‌های او در این حوزه و نقش تأثیرگذارش بر شکل‌گیری برخی تحقیقات و نظریه‌های ایران‌شناسی خواهیم پرداخت. مجموعه فعالیت‌های مینورسکی به زبان‌های انگلیسی، روسی، فرانسوی، عربی و فارسی و همچنین، یادداشت‌ها، مقالات، کتاب‌ها، نامه‌ها، اسناد و حتی عکس‌های کم‌نظیر به‌جا مانده از او گنجینه‌ای ارزشمند برای ایران‌شناسی معاصر به‌شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** شرق‌شناسی روسی، ایران‌شناسی روسی، ایران‌شناسی شوروی، ولادیمیر مینورسکی.

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی گروه روسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول (norouzi.mahnaz@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد فیلولوژی، دانشگاه علوم انسانی روسیه.

## سیمای شهرهای ایران در عصر قاجار از منظر ویلیامز جکسن

رضا نمازی<sup>۱</sup>

کشور ایران به دلیل برخورداری از تاریخ و فرهنگ کهن، از گذشته‌های دور مورد توجه سیاحان، مستشرقان و ایران‌شناسان دیگر کشورها قرار داشته که حاصل مشاهدات و تجربیاتشان را در قالب سفرنامه‌هایی مکتوب کرده‌اند. اطلاعات این قبیل سفرنامه‌ها عموماً به دلیل محتوای اجتماعی و فرهنگی‌شان از اهمیت و ارزش زیادی در حوزه مطالعات ایران‌شناختی برخوردارند و با اغماض از نقیصه‌های محتوایی‌شان، می‌توانند تصویر روشنی از سیمای شهرها، اوضاع اجتماعی، فرهنگی و تشکیلات اداری آن عصر ارائه دهند. از جمله این افراد که با توجه به تخصص و پیشینه علمی‌شان، با دقت و تمرکز بیشتری به ایران و وجوه مختلف آن پرداخته‌اند، می‌توان به ویلیامز جکسن، ایران‌شناس آمریکایی و یکی از پیشگامان مطالعات ایران در آمریکا اشاره کرد که در طول سفرهایی که در عصر قاجار به ایران داشته، شرح دقیقی از مشاهدات خود را با مطالب تحقیقی و تاریخی مستدل به نگارش درآورده است. سیمای شهر پدیده‌ای است که در طول زمان شکل می‌گیرد، با این حال، به رغم وجود گزارش‌های جغرافیدانان مسلمان و شناختی کلی که از ساختار شهرهای ایران و عناصر تشکیل‌دهنده آنها ارائه کرده‌اند، اطلاعات جامعی از سیمای شهرهای ایران در عصر قاجار در دست نیست. لذا پژوهش حاضر که از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی است، تلاش می‌کند به بررسی سیمای شهرهای ایران در عصر قاجار از منظر ویلیامز جکسن بپردازد.

### واژگان کلیدی:

ایران، ایران‌شناسی، سفرنامه، عصر قاجار، ویلیامز جکسن.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران ([rezanamazi@ut.ac.ir](mailto:rezanamazi@ut.ac.ir)).

## شکل‌گیری نقاشی پشت شیشه از معماری تا باورهای عامیانه در دوره قاجار

یاسمن سیاوشی<sup>۱</sup>

از بدو پیدایش بشر و زندگی در درون غارها، نقاشی همیشه وسیله‌ای برای تجلی ذهنیات و باورهای مذهبی انسان بوده‌است. نقاشی پشت‌شیشه، نهضت هنری که در دوره تحولات نوگرایانه عصر قاجار و تقابل سنت و مدرنیته به اوج رسیده‌است. این هنر در ابتدا کنار گچبری‌ها و آینه‌کاری‌های خانه‌های اشراف جای گرفت و به مرور به‌طور مستقل نیز به حیات خود ادامه داد. مضامین غیرمذهبی این آثار برگرفته از داستان‌های بزم‌ورزم شاهنامه و گل‌ومرغ و مضامین مذهبی آن شامل صحنه‌های کربلا، شمایل اولیا و قصه‌های قرآن بوده‌است. پرده‌های نقاشی پشت شیشه را مردم نذر اماکن مذهبی چون تکایا و سقاخانه‌ها می‌کردند و در دل کوچه و بازار در دست درآویش دیده می‌شد. این سبک از نقاشی، از دل مردم برآمد اما با گذر زمان و تغییر سبک زندگی مردم به فراموشی سپرده شد. این پژوهش به‌شیوه توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای به ریشه‌های شکل‌گیری، شکوفایی و کاربری آن در زندگی مردم عصر قاجار می‌پردازد. دوران قاجار، زمان تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آغازگر تقابل سنت و مدرنیته در ایران محسوب می‌شود؛ و می‌توان نقش پررنگ باور به اسطوره‌های ملی و مذهبی و رشد نقاشی پشت شیشه را در بطن زندگی مردم آن روزگار به‌تماشای نشست.

### واژگان کلیدی:

باورهای مذهبی، تزیینات معماری، قاجار، نقاشی پشت شیشه، هنر مردمی.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (yasamansiavoshi@gmail.com).



## صورت‌بندی گفتمانی «هویت ایرانی» در متون تاریخ‌نگارانه محمدباقر مؤمنی

رضا پارسا مقدم<sup>۱</sup>

در متون تاریخ‌نگارانه محمدباقر مؤمنی (۱۳۰۵-۱۴۰۲)، مسأله «هویت ایرانی» با دیگری‌سازی و غیریت‌سازی «اسلام» و «اعراب» صورت‌بندی گفتمانی می‌شود. روش تحقیق مقاله حاضر، تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه است که با استفاده از آن درصدد شناسایی صورت‌بندی گفتمانی مسأله هویت ایرانی، شناسایی دال‌ها، اسطوره‌های سیاسی، معنا و موقعیت سوژه‌ای<sup>۲</sup> در آثار و متون تاریخ‌نگارانه مؤمنی هستیم. در مقاله حاضر، انباشت و تراکم گزاره‌های جدی یا به‌قول فوکو «کلام‌های جدی» پیرامون شکل‌گیری و هژمونیک شدن تاریخ‌نگاری ناسیونالیسم باستان‌گرایانه از خلال تاریخ‌نگاری مؤمنی را که صورت‌گفتمانی به خود می‌گیرد، مطمح نظر قرار خواهیم داد. مؤمنی به‌مثابه یکی از ایران‌شناسان معاصر در امتداد تاریخ‌نگاری ناسیونالیست‌های رمانتیک ایرانی، هویت ایرانی را ذیل گفتمان‌های ناسیونالیسم باستان‌گرایانه متأثر از اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی و میرزا فتحعلی آخوندزاده، با دیگری‌سازی اسلام و اعراب در تاریخ‌نگاری معاصر ایران و برجسته‌سازی دوگانه «ایرانیّت» و «اسلامیت»، صورت‌بندی گفتمانی می‌کند. مؤمنی گرچه در جاهایی در جایگاه موقعیت سوژه‌ای، در نقد ناسیونالیسم باستانی و نژاد‌گرایانه برمی‌آید، ولیکن دست آخر به‌مثابه یکی از سوژه‌های اصلی گفتمان ناسیونالیسم باستان‌گرایانه ظاهر می‌شود. در نتیجه، صورت‌بندی گفتمانی هویت ایرانی با غیریت‌سازی بر مبنای دوگانه «ایرانیّت» و «اسلامیت» و بدل‌گشتن آن به گفتمانی فراگیر، محصول چنین تاریخ‌نگاری‌هایی بوده‌است.

**واژگان کلیدی:** صورت‌بندی گفتمانی، ایران‌شناسی، هویت ایرانی، غیریت‌سازی، دال مرکزی، ناسیونالیسم باستان‌گرا.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (parsamoghadamreza@yahoo.com).

<sup>۲</sup> subject position

## ضرورت در نظر گرفتن راهبردهای زیست‌بوم‌گرایانه در برنامه‌های توسعه با اتکا به حافظه اسطوره‌های ایرانیان

هستی قادری سهی<sup>۱</sup>

نخستین برنامه توسعه در ایران، به سال ۱۳۲۷ با عنوان برنامه عمرانی اول نوشته شد و البته اجرای آن به سبب کمبود بودجه متوقف گشت. پنج برنامه در دوران پهلوی و پس از انقلاب نیز هفت برنامه توسعه تا کنون نگاشته شده است. حلقه مفقوده این برنامه‌ها در نظر نگرفتن راهبردهای زیست‌بوم‌گرایانه برای بهبود شرایط زیست‌بوم ایران است. از همان برنامه نخست که عنوان «عمرانی» در آن نشان از تلاش برای مهندسی امور و نادیده‌انگاری زیست‌بوم در معادلات دارد، تا آخرین برنامه، اگر هم به مسائل زیست‌محیطی پرداخته شده، بیشتر از جنس محیط‌زیست‌گرایی و مهندسی و مدیریت طبیعت است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و در نظر گرفتن برنامه‌های توسعه در ایران، می‌کوشد یک حلقه مفقوده در این برنامه‌ها را فریاد آورد: در نظر گرفتن تجربه‌ای چند هزارساله که در متون اساطیری ایران نهفته است؛ از اوستا گرفته تا بندهش و در دیگر منابع اساطیری ایران، یک تجربه چند هزارساله وجود دارد که کهن‌الگوهای آن در ضمیرناخودآگاه جمعی و نمادهای آن در فرهنگ و اندیشه ایرانیان ریشه دارد. ایرانیان که به واسطه زیستی چند هزارساله در اقلیم ایران، دورنمایی دقیق از این اقلیم کسب کرده بودند، این دورنما را در قالب اساطیر مختلف، برای نسل‌های بعد برجای نهادند و از این شیوه نگاه بود که اختراعاتی همسو با زیست‌بوم، همچون کاریز، از آنان برآمد. بازگشت به متون اساطیری و استفاده از این منابع در برنامه‌های توسعه، می‌توانست سبب‌ساز توجه به جایگاه‌هایی مقدس، همچون دریاچه هامون و ارومیه شود و از خشک شدن آن جلوگیری کند.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه توسعه، ایران، اساطیر ایرانی، زیست‌بوم‌گرایی، محیط زیست.

<sup>۱</sup> دانشجوی پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (sohighaderi@gmail.com).

## کاغذ ابری؛ از ابداع تا فنون ساخت و کاربرد آن در کتاب‌آرایی

فربیا افکاری<sup>۱</sup>، مرجان دهقانی‌پور مطلق<sup>۲</sup>

شفق ابر بهاری را هماهنگ فلک چون کاغذ ابری به صد رنگ

از قرن هفتم هجری تحولات مهمی در کاغذسازی و کتاب‌آرایی ایران رقم خورد و نسخ خطی محملی برای بروز و ظهور ذوق هنرمندان گردید. منطقه دکن هند، در ربع دوم قرن هفدهم نقطه عطفی برای خلق آثار فاخر و منحصر به فردی در نگارگری و نقاشی با تلفیق کاغذ ابری بوده است. در عثمانی نیز هنرمندان ترک، واضح نقوش انتزاعی به‌ویژه گل لاله بوده‌اند. بررسی فهراس نسخ خطی نشان می‌دهد غالب فهرست‌نگاران کاغذ ابری را معرفی نکرده‌اند که این امر موجب کمبود منابع برای پژوهشگران شده است. این پژوهش به شناسایی تکنیک‌های ابری‌سازی سنتی و نحوه توصیف آن در فهراس نسخ خطی پرداخته و افزون بر کاربرد کاغذهای ابری در کتاب‌آرایی در ایران و سرزمین‌های دیگر، تغییرات کاربردی آن در زندگی امروزی را نیز بررسی کرده است. داده‌های این پژوهش که از نوع بنیادی است، به روش کتابخانه-ای گردآوری و پس از مطالعه و بررسی، به‌صورت کیفی-تحلیلی-توصیفی ارائه شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بیشترین کاربرد کاغذ ابری در جلدسازی و صحافی سنتی بوده و همچنین در متن و حاشیه قطعه خط، مرقع و نگارگری استفاده شده است. افزون بر اینها، نقوش ابری برای تزئین روی قلمدان‌ها نیز کاربرد داشته است. برای کاربردی کردن ابری‌سازی در ملزومات زندگی امروزی، افزون بر کاغذ، از بسترهای مناسب دیگری چون پارچه، سنگ، چوب، چرم، شیشه و چینی نیز می‌توان استفاده کرد.

**کلیدواژه‌ها:** کاغذ ابری، ابروباد، ابرو، ابری‌سازی، کتاب‌آرایی ایرانی، جلدسازی و صحافی دستی، نسخه خطی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ رئیس کتابخانه دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ مدیر گروه نسخه‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول (dehghanipourmarjan@gmail.com)

## کندوکاوی در اثرگذاری حماسه گرشاسب بر شمشون عبرانی

کامروز خسروی جاوید<sup>۱</sup>

امروزه تأثیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون آسیای غربی در شکل‌گیری مذهب یهود بر پژوهندگان تاریخ مذاهب و اسطوره‌شناسان پوشیده نیست. یهودیان به دلیل اقامت در بخش‌های مختلف آسیای غربی، تبادل و تأثیرات فرهنگی و مدنی فراوانی با مردمان این مناطق داشته‌اند؛ از آن جمله با اقوام ضد ایرانی و مشخصاً ایرانی. در این مقاله، نویسنده می‌کوشد به تأثیر روایت‌های ایرانی بر شکل‌گیری حماسه شمشون<sup>۲</sup> نزد یهودیان بپردازد. اسطوره شمشون، پهلوان عبرانی که در جنگ با دشمنان بنی‌اسرائیل از سرداران بزرگ ایشان به شمار می‌آید، یکی از اثرهای پرشمار فرهنگ مردمان ایرانی بر باورهای یهود است. او قدرتی خارق‌العاده دارد که راز آن به وسیله زنی فلیستیری به نام دلپله کشف می‌شود که از شمشون دلربایی می‌کند. نگارنده بر این باور است که روایت شمشون برگرفته از حماسه جنگجویان ایرانی است که در مناطق مختلف آسیای غربی، از جمله سوریه فعال بودند و در سنت اوستایی به آنها «مئیری» گفته می‌شود. نامدارترین و مهمترین چهره این پهلوانان در اوستا، گرشاسب است. نگارنده در این مقاله با بررسی تطبیقی هر دو حماسه به روش کتابخانه‌ای، مشترکات و همسانی‌های دو روایت و وام‌گیری احتمالی روایت عبری از داستان گرشاسب را می‌کاود و بدین نتیجه می‌رسد که روایت شمشون بر اساس اسطوره ایرانی گرشاسب ساخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** حماسه، دلپله، رویین‌تنی، شمشون، گرشاسب، مئیری‌ها، یهودیت.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ و کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی (kamrouz33@yahoo.com).

<sup>۲</sup> Samson

## گستره جغرافیایی گویش‌های ارمنیان ایران

آندرانیک سیمونی<sup>۱</sup>

مناطق گویشی ارمنی ایران به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: الف) گویش‌های ارمنی بومی؛ و ب) گویش‌های مناطقی که پس از مهاجرت‌های قرون میانه یا جدید، موجودیت یافته‌اند. در اولین منطقه، اولین گروه، گویش‌های ارمنیان خوی، سلماس، ارومیه و روستاها و سکونتگاههای اطراف جای می‌گیرند که به‌عنوان گروهی مستقل شناخته و پژوهش شده‌اند. منطقه بعدی این گروه شامل روستاهای منطقه ارمنی‌نشین قره‌داغ یا منطقه کلپیر می‌شود که گویش رایج در آن ادامه گویش‌های قره‌باغ کوهستانی و دشت قره‌باغ به شمار می‌رود. دومین گروه شامل گویش‌های ارمنیان تبریز، مراغه، جلفای اصفهان، مشهد، شیراز، شهرهای مختلف استان خوزستان، و هفت قریه ارمنی‌نشین مناطق مرکزی ایران و منقسم در استان‌های اصفهان، لرستان و مرکزی است. این گویش‌ها که هر یک به‌نوبه خود مورد تحقیق گویش-شناختی قرار گرفته‌اند، عمدتاً پس از مهاجرت اجباری و تحمیلی شاه عباس اول، در مناطق مختلف ایران، بر اساس صورت‌های اولیه تجدید ساختار یافته و شکل نهایی گرفته‌اند. ارمنیان ساکن کناره‌های جنوبی دریای خزر شامل شهرهای رشت و انزلی از یک سو و بندر ترکمن و گرگان و روستاهای اطراف از جمله روستای قرق و روستاهای اطراف علی‌آباد گروه دیگری از گویشوران را تشکیل می‌دهند که در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم از مناطق مختلف عثمانی به روسیه پناه برده و پس از انقلاب اکتبر به سواحل جنوبی دریای خزر انتقال یافته‌اند. در این مناطق گویش جدیدی شکل نگرفته و صورت اولیه گویش‌ها حفظ شده‌است. گروه کثیری از ارمنیان عثمانی در دوران نسل‌کشی ارمنیان در سال ۱۹۱۵ عمدتاً از شهر وان و روستاهای شرق آناتولی شرقی (ارمنستان غربی) به ایران پناهنده شده‌اند. در این مقاله، مشخصه‌های عمده همه این گروه‌ها و گویش‌ها که اساس تفکیک و دسته‌بندی آنهاست، ارائه می‌شود. گردآوری داده‌های گویش‌های مناطق مرکزی ایران بر اساس کار میدانی با گویشوران و کتابخانه‌ای بصورت توأمان انجام شده و داده‌های گویش‌های بقیه مناطق کتابخانه‌ای است. نتیجتاً بخشی از پژوهش، اساساً مروری است.

**واژگان کلیدی:** زبان ارمنی، ارمنیان ایران، گویش‌های ارمنی، گستره جغرافیایی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و تاریخ ارمنستان، دانشگاه دولتی ایروان، ایروان، ارمنستان؛ عضو هیأت علمی و مدیر گروه زبان و ادبیات ارمنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (atsimon7@gmail.com).

## گوش گورانی گوراجوبی

سروش شهبازی<sup>۱</sup>

### چکیده

گوش گورانی در گروه زبانهای ایرانی نو شاخه شمال غربی قرار دارد و شامل چهار شاخه اورامانی، باجلانی، کندوله‌ای و گوراجوبی است. زبان‌شناسان از آغاز قرن بیستم به بررسی گوش گورانی پرداخته و آثاری به چاپ رسانده‌اند. گورانی زبان ادبی معیار حوزه زاگرس مرکزی بوده و تا قبل از قرن نوزدهم میلادی، بیشتر سخن‌گویان و شاعران گرد به گورانی شعر می‌سروده‌اند که دربرگیرنده متن‌های اسطوره‌ای و پهلوانی، دینی و مذهبی، و تاریخی است. در این میان، گوش گورانی گوراجوبی در زمره گوش‌های در خطر قرار دارد و امروز تنها اهالی روستای «گوراجوب قشلاق» در منطقه گوران در غرب استان کرمانشاه به آن سخن می‌گویند. تا پایان سده پیشین خورشیدی، اهالی روستای «گوراجوب مراد بیگ» در پایین‌دست این روستا نیز به این گوش سخن می‌گفته‌اند اما به دلیل احداث سد و به زیر آب رفتن روستا، گویشوران پراکنده شده‌اند. این گوش با عنوان «بررسی گوش گورانی روستای گوراجوب قشلاق» در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در دانشگاه تهران موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده قرار گرفت و در سال ۱۳۸۷ دفاع شد. نگارنده در این مقاله کوشیده‌است توصیفی از ساختار گوش گورانی گوراجوبی ارائه دهد.

### کلیدواژه‌ها:

گوران، گورانی، گوراجوب، گوراجوبی، گردی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبانهای باستانی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
(soroush\_shahbazi@yahoo.com)

## مروری بر فعالیت‌های خیریه (رفاهی - بهداشتی) خارجی در ایران مطالعه موردی: دوره پهلوی

الهام ملک‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

فعالیت‌های خیریه خارجی اعم از دولت‌های خارجی یا افراد و گروه‌های غیردولتی مذهبی در ایران، از پیشینه دیرینه‌ای همزمان با آغاز تبلیغات گروه‌های میسیونری برخوردار است که از دوره صفویه به این سو، راهی سرزمین‌های شرق از جمله ایران شدند. مقاله حاضر با تمرکز بر دوره پهلوی که سیاست‌های دولت مرکزی در راستای تمرکزگرایی در همه شئون از جمله حوزه امور خیریه و عام‌المنفعه است، تلاش می‌کند مروری بر فعالیت این نهادها بر پایه اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی داشته‌باشد. سؤال اصلی این پژوهش، چرایی و چگونگی فعالیت‌های خیریه نهاد‌های خارجی در ایران طی دوره پهلوی است که با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور نوسان داشته‌است. حاصل این پژوهش متضمن این نکات است که تنوع ساختار، تنوع انگیزه‌ها، تنوع گروه‌های هدف به طرز محسوسی در ایجاد و تکوین مؤسسات خیریه رفاهی - بهداشتی خارجی مؤثر بوده‌است؛ ضمن اینکه نحوه اقدامات مؤسسات خیریه خارجی، به ایجاد سبک و الگوی جدیدی از کنش خیران ایرانی نیز منجر شده و ذیل بنیادهای خیریه خانوادگی، مورد توجه قرار گرفته‌است.

### واژگان کلیدی:

فعالیت‌های خیریه، سازمان‌های خیریه، رفاهی - بهداشتی، دوره پهلوی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران؛ دانشیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir).

## مطالعه تطبیقی نقش ظاهری و ماهیتی رخس و شبرنگ در شاهنامه شاهطهماسبی

فرحناز رضائی<sup>۱</sup>

داستان‌های شاهنامه، حاوی آموزه‌های ارزشمندی در باب فضائل باطنی و اخلاقی انسان است و فردوسی این ویژگی‌ها را در قالب افسانه‌های دلاورانه و با انتساب به قهرمانان و پهلوانان بیان نموده‌است؛ قهرمانانی که با ذکاوت، از میان نمونه‌های محبوب برگزیده شده‌اند و اسب از این جمله است. با مصورشدن افسانه‌های شاهنامه به دست نگارگران ایرانی، بر محبوبیت این کتاب افزوده شد. «شاهنامه شاهطهماسبی» از گونه‌های مصور نادری است که هنرمندان ایرانی آن را به زیبایی ساخته و پرداخته‌اند. این نگارگران که خود از میان مردم برخاسته‌اند، در انتقال اندیشه پنهان در محتوای شاهنامه، نقش به‌سزایی داشته‌اند و مطالعه این گنج شیرین، حلاوت ارتقای فرهنگ و تعالی روح را همزمان به کام می‌نشانند. اهمیت مطالعه بنیادین حاضر در این است که این نگارگران تا چه اندازه تصاویر را واقعی و با حفظ محتوای متن، نقش زده‌اند. هدف از انجام این پژوهش کیفی، یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های دو قهرمان هم‌سان در دو نگاره منتخب از شاهنامه شاهطهماسبی با توجه به نقش نگارگر در خلق تصاویر بوده‌است. در پی این هدف، نمونه‌های مورد بررسی شامل دو نگاره «نبرد رخس و شیر» و «گذر سیاوش از آتش» به شیوه توصیفی - تحلیلی - تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعه این دو نمونه بر اساس محتوای متنی و با تکیه بر منابع مطالعاتی کتابخانه‌ای صورت گرفته‌است. در پاسخ به سؤال‌های: (۱) چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان نقش رخس و شبرنگ از منظر بصری و ماهیتی برداشت می‌شود؟ و (۲) با توجه به تأثیر اندیشه نگارگر در خلق تصاویر، واقعی بودن آنها تا چه اندازه قابل اعتماد است؟، نتیجه حاکی از شباهت‌های والای انسان‌گونه میان این دو است؛ همچنین بر پاره‌ای از تفاوت‌های ظاهری و ماهیتی آنها دلالت می‌کند و نیز آگاهی نگارگران و در پی آن، مستند بودن نگاره‌ها به محتوای متنی و سایر شرایط را اذعان می‌دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اسب، رخس، شاهنامه شاهطهماسبی، شبرنگ، نگارگری.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه سوره، تهران، ایران (farahnaz.rezaer.501@gmail.com).



## مطالعه مردم‌شناختی باورهای بومی در مازندران با بررسی عنصر طبیعی درخت<sup>۱</sup>

آناهیتا ناهید<sup>۲</sup>

باورها، آداب و رسوم و اسطوره‌های مشترک، زمینه‌های فرهنگی مشترک اقوام گوناگون ایرانی که در هر گوشه این کشور در پیوند با طبیعت شکل گرفته، از دیرباز زندگی اجتماعی‌اش را معنادار ساخته‌بودند. بخش‌هایی از این باورها از طرفی بنا به مجاورت و معاشرت با سایر فرهنگ‌ها، چه به اجبار چه به ضرورت یا اختیار، تحت تأثیر قرار گرفته، ترکیب و دچار تحول شده، و از طرف دیگر گاه بنا به تغییر سبک زندگی و نیازها شکل عوض کرده‌اند. به باور آبراهامیان هویت ملی ایرانیان در عصر مدرن ترکیبی از اسلام شیعی با تاریخ پیش از اسلام است که در قرن بیستم نیز در عرصه‌های مختلف دچار تغییراتی شده‌است. در این پژوهش با بررسی باورهای بومی دیده‌ایم که همچون اسطوره‌های ایرانی، در مازندران درخت در باورهای مردم محلی جایگاه ویژه‌ای داشته‌است. مطالعه حاضر با به کارگیری شیوه مردم‌نگاری و مطالعه اسنادی به گردآوری و بررسی این باورها در میان قوم مازندرانی پرداخته و شاخص تعیین‌کننده قوم، زبان مازندرانی بوده‌است. باورهای محلی مزبور در ترکیب با مذهب رسمی در طول تاریخ، شکل منحصر به فردی تشکیل داده‌اند؛ حضور درخت در مجاورت امامزاده‌ها، مقصد یا واسطه نیایش شده و گاه خود امامزاده نامیده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت از طرفی رد پای معابد پلی‌تئیسیم در چنین سبک نیایشی دیده می‌شود، و از طرف دیگر توسط به عنصری طبیعی واسطه‌ای برای ارتباط با ماورا می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** باور، درخت، مازندران، مردم‌نگاری.

<sup>۱</sup> مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی آقای دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر، دانشگاه تهران.

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (anahitanahid@gmail.com).

## معرفی و بررسی سبک‌شناختی کتاب عقیده و لتر در باب ایران و هند

افسانه احمدی‌نژاد<sup>۱</sup>

در دوره قاجار آثار مختلفی از زبان‌های گوناگون، از جمله زبان فرانسوی، به زبان فارسی ترجمه شدند. این آثار در طیف گسترده‌ای قرار داشتند که حوزه‌های مختلف، از علوم نوین و صنعت تا تاریخ و ادبیات، را در بر می‌گرفت. مطالعات فرهنگی نیز یکی از این حوزه‌های مهم و از موضوعات آثار ترجمه‌ای بود. یک نسخه خطی متعلق به عصر قاجار و سال ۱۳۰۱ق یکی از آثار ولتر را نشان می‌دهد که اوانس‌خان ارمنی ترجمه کرده و نام آن را *عقیده و لتر در باب ایران و هند* گذاشته‌است. ولتر یکی از نویسندگان و متفکران تأثیرگذار قرن هجدهم فرانسه است. این فیلسوف مهم «عصر روشنگری» فرانسه درباره تاریخ دیگر ملل و سرزمین‌ها مطالعه و تحقیق کرده بود و با شرق و ایران آشنایی داشت. محتوای این اثر ولتر و نگاه او به ایران و فرهنگ و تاریخ ایران، انتخاب شدن این متن برای ترجمه در دوره قاجار و ویژگی‌های سبکی نثر این ترجمه فارسی بررسی نسخه *عقیده و لتر در باب ایران و هند* را ضروری می‌سازد. در این پژوهش به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهیم که این رساله قاجاری از کدام‌یک از آثار متعدد ولتر انتخاب و از زبان فرانسوی ترجمه شده است. همچنین بسامد ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر دوره قاجار را در این متن فارسی می‌سنجیم، ویژگی‌هایی چون کاربرد ساختارهای نحوی عربی، وجه وصفی و ساختارهای فعلی کهن. شیوه اوانس‌خان ارمنی در ترجمه را بررسی می‌کنیم و نگاه ولتر به ایران و هند و روش او در تحلیل تاریخ این دو سرزمین را واکاوی خواهیم کرد.

### کلیدواژه‌ها:

ترجمه، قاجار، زبان فرانسه، ولتر، ایران‌شناسی، سبک‌شناسی نثر، اوانس‌خان ماسحیان.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (ahmadi.n72@yahoo.com).

## مقایسه شاهنامه با ایلید و ادیسه در پاسداشت هویت ملی

علیرضا قیامتی<sup>۱</sup>

شاهنامه آیینۀ بزرگی است که فرهنگ، تاریخ، اسطوره، آداب و آیین‌های ایرانی را می‌توان به آشکارا در آن دید. هیچ‌یک از حماسه‌های برتر جهان به‌اندازه شاهنامه تبلور فرهنگ، تاریخ و باورهای اجتماعی ملت خویش نبودند و در زندگی مردم خویش به‌اندازه شاهنامه تأثیر نداشته‌اند. ایلید و ادیسه به هیچ روی بازتاب کامل تمدن یونان نیست. فرهنگ و آیین‌های یونان را نمی‌توان از ایلید شناخت. ایلید و ادیسه تنها بیانگر نبردها، پهلوانی‌ها و البته بخش اندکی از باورهای دینی فرمانروایان است. از این جهت شاهنامه نه تنها با ایلید و ادیسه که با هیچ‌یک از حماسه‌های برتر جهانی قابل مقایسه نیست. فردوسی با درک ژرفای جریانهای فکری و سیاسی روزگار خود از یک سو و از هم‌گسیختگی هویت ایرانی از سوی دیگر به گردآوری تاریخ و فرهنگ این سرزمین همت گماشت هیچ حماسه ملی و هیچ شاهکار ادبی نبوغ تبار خود را به‌اندازه شاهنامه بازگو نکرده است.

### واژگان کلیدی:

شاهنامه، فردوسی، هویت ملی، ایلید، ادیسه.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران.

## ملاحظات در اشتراکات میان زبان تاتی (اشتهاردی) و گویش کرجی (فشندی)

مهدیه بهادری<sup>۱</sup>، کوثر ارمندی<sup>۲</sup>

زبان تاتی از دیرباز در مناطقی از استان‌های البرز، مرکزی، قزوین، اصفهان، زنجان، تهران و... رواج داشته‌است. امروزه در استان البرز در منطقه‌ی اشتهاارد گویش تاتی اشتهااردی رایج است. گویش کرجی، گویشی است که سالیان متمادی در کرج و توابع آن از جمله طالقان، روستاهای فشند، برغان، اغشت، سنج و... تکلم می‌شود. هدف پژوهش حاضر مقایسه دو گویش اشتهااردی زبان تاتی و کرجی رایج در روستای فشند (گویش پشندی یا فشندی) و ارائه شواهدی از همسانی‌های این دو است تا ارتباط نزدیک فرهنگی میان اقوام ایرانی را به اثبات رسانده، وجوه اشتراک بی‌نظیری را که در سطح اجتماعات زبانی پراکنده در سراسر ایران وجود دارد، بشناساند و نشان دهد با وجود تمایزها تا چه حد به هم نزدیکند. این پژوهش به روش میدانی و کتابخانه‌ای و سپس تحلیلی انجام شده و استخراج مطالب در قلمرو زبان فارسی صورت گرفته‌است. بدین منظور پرسشنامه‌ای طراحی و در آن کلمات جامعه آماری پژوهش حاضر به زبان فارسی معیار گردآوری شد و در اختیار گویشوران این دو خطه قرار گرفت تا آنها معادل آن کلمه را در گویش خود در پرسش‌نامه وارد کردند. گویشوران زبان تاتی (اشتهاردی) متعلق به شهر اشتهاارد و گویشوران گویش کرجی متعلق به روستای فشند، واقع در منطقه ساوجبلاغ بودند. با بررسی (فعل و اسم)‌های این دو گویش با شباهت‌های بسیاری مواجه شدیم و برای اثبات ادعا شواهدی را ذکر خواهیم کرد.

**کلیدواژگان:** گویش‌های ایرانی، زبان تاتی، گویش اشتهااردی، گویش کرجی، گویش فشندی.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت‌الهدی صدر، قزوین، ایران؛ نویسنده مسئول (parizad8282.com@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت‌الهدی صدر، قزوین، ایران (kosarii1221@gmail.com).

## مناسبات تصوف و تشیع و تأثیر آن در شکل‌گیری حکومت صفویان

نصرت خاتون علوی<sup>۱</sup>

صفویان به عنوان اولین سلسله‌ای که پس از ورود اسلام به ایران توانستند با تشکیل دولت متمرکز، هویتی مبتنی بر مذهب تشیع را برای این سرزمین ایجاد نمایند، از یکسو موجب بازگشت ایران به صحنه معادلات و مناسبات جهانی شدند و از دیگر سوی، ایرانی را بنیان نهادند که در دوره‌های بعد از خود نیز منشا اثر فراوان بوده‌اند؛ بر این اساس در مطالعات تاریخی ایران بالاخص در حوزه‌های دینی، مذهبی، فرهنگی و تمدنی به اهمیت و نقش صفویه باید توجه ویژه نمود. صفویان در میان سلسله‌ها و حکومت‌های شیعه مذهب مهم‌ترین و موثرترین نقش را در پیشرفت تشیع و تصوف و نهادینه کردن آن داشته‌اند. سوال اصلی تحقیق این است که تشیع و تصوف در شکل‌گیری حکومت صفویان چه نقشی داشته است؟ یافته‌های اساسی تحقیق، این فرضیه را تایید می‌نماید و نشان می‌دهد که در دوران حاکمیت صفویان و رسمیت مذهب تشیع، شرایطی فراهم شد که حکما، فقها، علما، دانشمندان و هنرمندان شیعه مذهب با فعالیت و تلاش و کوشش خود، توان مذهب تشیع را به عنوان ایدئولوژی حاکمیت و توانمند در جهت ایجاد هویتی جدید و تمدن ساز، تثبیت نمایند. در این بررسی از روش تحقیق تاریخی استفاده شده و روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر نوشته‌های مورخان ایرانی عصر صفوی و سفرنامه‌های اروپاییان و نیز تحقیقات جدید می‌باشد.

### واژگان کلیدی:

صفویان، تشیع، تصوف، شاه اسماعیل، مشروعیت، عرفان، طریقت، قزلباش.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران (alavi.nosrat@yahoo.com).

## موسیقی درمانی در بلوچستان

نصرت خاتون علوی<sup>۱</sup>

در منطقه بلوچستان مردم بلوچ بر اساس اعتقادات و باورهای خود به اجنه و نیروهای نامرئی معتقدند و برای درمان بیماریهای جسمی و گاه روحی به دعانویس مراجعه می‌کنند. در همین راستا، در اصطلاح محلی به این بیماریهای ویژه در بلوچستان «گواتی» گفته می‌شود و علت بروز چنین بیماریهایی را وجود بادهای شیطانی در بدن آدمی می‌دانند. درمان بومی این بیماریها با مراسم ویژه‌ای همراه است از جمله ورد خواندن، دعا و راز و نیاز کردن و.. برای درمان بعضی از بیماریها، از موسیقی سنتی و رقص نیز استفاده می‌شود. موسیقی درمانی در حقیقت یکی از شاخه‌های علوم درمانی است و در آن، موسیقی درمانگر مانند پزشک که از دارو یا وسایل جراحی استفاده می‌کند، از موسیقی و فعالیت‌های گوناگون همراه با موسیقی، به‌عنوان ابزار و روش درمان بهره می‌گیرد. سؤال اساسی تحقیق این است که موسیقی درمانی در بلوچستان چگونه انجام می‌شود؟ پژوهش حاضر با روشی توصیفی، تحلیلی و میدانی به ارزیابی موسیقی درمانی در بلوچستان پرداخته‌است. بر اساس یافته‌های این پژوهش موسیقی درمانی یکی از روشهای علمی است که در درمان بیماریها نقش بسزایی دارد. نقش موسیقی در درمان بسیاری از بیماریها مانند افسردگی، اضطراب، برخی بیماریهای روانی، سردردهای عصبی و میگرن به اثبات رسیده‌است.

### واژگان کلیدی:

بلوچستان، موسیقی، گواتی، درمان، بیماری.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران (alavi.nosrat@yahoo.com).

## مهاجرت زرتشتیان یزد و کرمان به شیراز و ساخت آتشکده شیراز

راضیه موسوی خو<sup>۱</sup>

در این مقاله به مهاجرت زرتشتیان یزد و کرمان به شیراز و ساخت آتشکده و تأسیس انجمن زرتشتیان شیراز پرداخته شده است. داده‌ها، از طریق تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی به دست آمده است. اطلاعات میدانی طی مصاحبه‌ای با شادروان افلاطون سهرابی رئیس انجمن زرتشتیان شیراز، در اسفند ۱۳۹۶، به دست آمده و سنگ‌نبشته‌های آتشکده و اسناد مجموعه پولادی نیز در آشنایی با چگونگی ساخت آتشکده و بنای باغ وقفی زرتشتیان، راهگشای این پژوهش بوده‌اند. تعداد زرتشتیان شیراز ۱۷۲ نفر است. در پی مهاجرت گسترده زرتشتیان یزد و کرمان به شهرهای دیگر، عده‌ای شیراز را انتخاب کردند که ۵ خانواده از کرمان و مابقی از یزد بودند. در زمان صفویه و با افزایش فشارها بر زرتشتیان، عده‌ای از بهدینان یزد به مزرعه کلاتر مهاجرت کردند. بر اساس تاریخ شفاهی، بیشترین میزان مهاجرت به شیراز را طایفه کلاتری‌ها داشتند. زرتشتیان شیراز در زمان کریم‌خان زند، پشت قلعه کریم‌خانی زندگی می‌کردند. بعد از مرگ کریم‌خان زند، به دلیل حمله حومه‌نشینان، زرتشتیان از کاروانسرا فرار کردند. در زمان قاجاریه و با تلاش‌های پارسیان هند، اوضاع بهدینان بهبود یافت. در آن زمان بزرگان زرتشتی با اجازه شاهان قاجار به شیراز بازگشتند، محل کنونی انجمن زرتشتیان را خریدند و به مرور، بنا و آتشکده‌ای در آن ساختند. باغ وقفی شیراز در سال ۱۳۸۴ توسط ارباب مهربان پولاد و ۲۱ تن دیگر از زرتشتیان خریداری و به جامعه زرتشتیان وقف شد و پرستشگاه نیز به دهش دکتر اسفندیار یگانگی در سال ۱۳۴۳ ساخته شد. تا کنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است.

### واژگان کلیدی:

تاریخ شفاهی، زرتشتیان شیراز، مهاجرت زرتشتیان یزد و کرمان، آتشکده شیراز، باغ وقفی زرتشتیان.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
(humamusavi66@gmail.com)

## نظری به اهمیت بررسی دنیای آرمانی زنان در مطالعات ایران‌شناختی بر اساس جایگاه قصه‌های عامیانه

آمنه ابراهیمی<sup>۱</sup>

دنیای آرمانی زنان در تاریخ ایران در گستره مطالعات داخلی و ایران‌شناسان خارجی کمتر مورد توجه بوده است. درک و فهم نزدیک به واقع این موضوع مطالعاتی می‌تواند رهگشای فهم بهتر وضعیت زیست زنان در تاریخ ایران باشد. از آنجا که متون رسمی و سلسله‌ای که پدیده‌ای مردانه هستند، کمک چندان نظرگیری به بحث نمی‌کنند؛ متون ادب عامه به‌ویژه قصه‌های عامیانه در اینجا مورد توجه قرار گرفته‌اند که دنیایی برساخته و درهم‌تنیده از خیال و واقعیت به دست می‌دهند. این گونه متون از کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، دشواری‌ها، تنگناها و نحوه تجربه زیست مردم -در اینجا زنان- و نیز آرزوها و خواسته‌هایشان پرده برمی‌دارند و خاموشی زنان پوشیده روی و پوشیده نام را به صدا و سخن تبدیل می‌کنند. بنابراین در این حوزه -با توجه به اهمیت این متون در مطالعات ایران‌شناسانه به پژوهشهایی از ایران‌شناسان در این زمینه- محوریت نقش زن -توجه شده و با روشی نقادانه- تاریخی سعی بر آن بوده است که اهمیت این مطالعات ارائه شود.

### کلیدواژه‌ها:

دنیای آرمانی، زنان، ایران‌شناسی، قصه‌های عامیانه.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
(amenehebrahimi94@gmail.com)



## نقد دیدگاه آمورتی در مقاله «مذهب در دوره صفوی»

### از منظر مطالعات تاریخ ادیان ایران

رجبعلی علیزاده<sup>۱</sup>، روشنگر جهانی<sup>۲</sup>

حکومت صفوی، مقتدرترین حکومت مستقل اسلامی در ایران با مذهب شیعه دوازده امامی، مدخل بسیاری از پژوهش‌های ایران‌شناختی از سوی محققان غربی بوده که همواره مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها مقاله «مذهب در دوره صفوی» نوشته ب. س. آمورتی<sup>۳</sup> است. این مقاله، رابطه مذهب با حاکمیت سیاسی در عصر صفویان را مورد نقد و بررسی قرار داده و بر آن است که قزلباشان بر اساس نوع خاصی از گرایش به تشیع که متأثر از مسیحیت بوده، حکومت صفویه را بنیان نهاده و به اوج رسانده‌اند. بدین ترتیب او بر آن است تا مسیحیت را دارای نقشی بنیادی و کلیدی در شکل‌گیری سلسله اسلامی مستقل و مقتدر صفوی در ایران معرفی کند. نوع رویکرد نویسنده در این مقاله به گونه‌ای است که پرسشی‌هایی اساسی درباره ساختار نقد وی، زمینه انجام پژوهش پیش‌رو گردید. این پرسش چنین است: پیش‌فرض‌های مسیحی نویسنده چه تأثیری در نقد او در باب مذهب قزلباشان به‌عنوان فرقه حامی حکومت صفوی داشته است؟ همچنین نقش بنیادین ادیان ایران پیش از اسلام در به وجود آمدن مشترکات مذهبی میان مسیحیت و تشیع قزلباشان چه بوده است؟ پژوهش پیش‌رو با روش تحلیلی به بررسی تاریخی بنیان‌های مشترک مسیحیت، آیین میترا و تشیع قزلباشان پرداخته و توانسته دلایل خطای تحلیل آمورتی را بیابد. نتیجه حاصله در این پژوهش این است که پیش‌فرض‌های مسیحی آمورتی و همچنین عدم واکاوی در باب ریشه‌های مذهبی ایرانی قزلباش، موجب خطای استدلال او شده است. بر این اساس، بنیان‌های مشترک ایرانی میترا در حوزه باورها و آداب و رسوم میان مسیحیت با تشیع قزلباشان عامل اصلی این شباهت است.

**کلیدواژه‌گان:** صفویه، قزلباش، آیین میترا، تشیع، مسیحیت، آمورتی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران؛ نویسنده مسئول.

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته دکتری عرفان و تصوف، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛ مدرس دانشگاه مازندران، ایران  
([roshanakjahani78@gmail.com](mailto:roshanakjahani78@gmail.com))

<sup>۳</sup> B. S. Amoretti

## نقش تاریخ در مطالعات ایران‌شناسی

مژگان اسماعیلی<sup>۱</sup>

ایران‌شناسی رشته‌ای است که بر مطالعه تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران تمرکز دارد. در ایران‌شناسی، تاریخ نقش مهمی بسیار دارد؛ چراکه اساس درک تکامل تمدن ایرانی را فراهم می‌کند. مطالعات تاریخی به ایران‌شناسان کمک می‌کند تا بتوانند به تفسیر منابع و متون اولیه‌ای بپردازند که در تحقیقات خود با آن‌ها مواجه می‌شوند. نیز این امکان را برای آنها فراهم می‌کند تا ریشه‌های تاریخی افکار و اندیشه‌ها، اعتقادات، سنن و تشکیلات را ردیابی کنند و چگونگی شکل‌گیری جامعه ایران را در طول زمان دریابند. تحلیل تاریخی همچنین ارتباطات بین ایران و سایر مناطق، و تعاملات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را روشن می‌کند. ایران‌شناسان با بررسی وقایع تاریخی مانند ظهور و سقوط سلسله‌ها، گسترش ادیان، ظهور شخصیت‌های تأثیرگذار، و تأثیر تهاجمات خارجی می‌توانند الگوها، روندها و نقاط عطف تاریخ ایران را شناسایی کنند. این پژوهش با روش تحقیق تاریخی و رویکرد توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤال‌هاست که «تاریخ چه نقشی در مطالعات ایران‌شناسی دارد؟» و «اصولاً تأثیر و تأثر تاریخ و ایران‌شناسی بر هم چیست؟» نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که ایران‌شناسی با ارائه دانش تخصصی درباره ایران و میراث فرهنگی آن، به عرصه تاریخ کمک می‌کند. همچنین ایران‌شناسان از طریق تجزیه و تحلیل منابع اولیه، اسناد و روایات تاریخی به تحقیقات تاریخی یاری می‌رسانند؛ ضمن آنکه خود از دانش‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط استفاده می‌کنند تا درک تاریخی را غنی‌تر سازند. بنابراین تاریخ و ایران‌شناسی دو رشته به‌شدت درهم‌تنیده محسوب می‌شوند. از سویی تاریخ زمینه و چارچوب تاریخی لازم را برای ایران‌شناسان فراهم می‌کند تا جنبه‌های مختلف فرهنگ، زبان و جامعه ایرانی را بررسی و تفسیر کنند؛ و از سوی دیگر، ایران‌شناسی با ارائه دانش و بینش تخصصی در مورد میراث غنی تاریخی ایران، مطالعه تاریخ را در میان پژوهشگران افزایش می‌دهد.

**کلیدواژه‌گان:** ایران‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ، تمدن، میراث فرهنگی، منابع تاریخی.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ، دانشگاه دهلی، دهلی، هند؛ دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (esmailimozhgan20@gmail.com)

## نقش رسانه‌های دیداری - شنیداری در توسعه ایران‌شناسی از منظر دیپلماسی عمومی

ویدا همراز<sup>۱</sup>

دیپلماسی عمومی بخشی از تحولات عمیق در سیاست‌گذاری در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم است که قدرت افکار عمومی و نفوذ بر دیدگاه‌های مردم را در کنار دیپلماسی سنتی، مورد توجه قرار می‌دهد. در دیپلماسی عمومی، فرهنگ و اقتصاد به‌طور جدی برای تحقق اهداف سیاسی مورد توجه است؛ لذا استفاده از تبلیغات رسانه‌ای و قدرت نرم برای معرفی چهره‌ای مثبت از کشور با تکیه بر رفاه و امنیت برای تأمین موقعیتهای بهتر ارتباطی و اقتصادی اهمیت دارد. با توجه به تاریخ و فرهنگ غنی کشورمان، ایران‌شناسی ظرفیت گسترده‌ای برای دیپلماسی عمومی دارد و رسانه‌های دیداری - شنیداری مهمترین عامل معرفی این ظرفیت هستند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بر آن است که این سؤال پاسخ دهد که شیوه مناسب استفاده از رسانه‌ها در توسعه ایران‌شناسی برای تحقق اهداف دیپلماسی عمومی چگونه است؟ به‌نظر نویسنده، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در تولید آثار رسانه‌ای، اولویت دادن به مخاطبان در مناطق همجوار، استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوین تعاملی مانند پادکست در تحقق این اهداف مؤثر است.

### کلیدواژه‌ها:

ایران‌شناسی، دیپلماسی عمومی، رسانه‌های دیداری، رسانه‌های شنیداری، پادکست.

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (viham44@yahoo.com).

## نقش زنان عشایر ایل سنگسر در توسعه گردشگری روستایی و عشایری

هدی طالبیان<sup>۱</sup>

در سالهای اخیر با توسعه روزافزون فناوری و شتاب حضور آن در عرصه‌های مختلف زندگی، عده‌ای در جهت رفع تنش‌ها، استرس‌ها و هیجانات ناشی از هجوم ماشینی شدن؛ تلاش می‌کنند تا با آشتی دوباره با طبیعت و حضور در کنار مردمی که سرعت زندگی‌شان آرام و طی سالهای بسیار تقریباً بدون تغییر بوده؛ ضمن آشنایی با فرهنگ، آداب و رسوم، و پیش و نگاه تولیدی و نه صرفاً مصرف‌گرایی، لحظاتی آرام و بدون دغدغه را تجربه کنند. این گروه تحت عنوان گردشگری فرهنگی و یکی از زیرشاخه‌های آن، گردشگری عشایری، تعریف می‌شوند. عشایر ایل سنگسر با ۴۶ طایفه، یکی از بزرگترین طوایف نیمه-کوچرو استان سمنان، در منطقه شمال و شمال غربی استان مستقر هستند و شهرستان مهدی‌شهر اقامتگاه قشلاقی آنان به شمار می‌رود. در این جامعه کوچرو اما سنتی و اصیل، زنان به‌عنوان ستون اصلی خانه، عضوی فعال و پویا هم در عرصه خانوادگی و هم اجتماعی هستند و نقش پررنگ و تأثیرگذاری ایفا می‌کنند. در این تحقیق، سعی شده است ضمن معرفی عشایر ایل سنگسر، نقش زنان در زندگی این عشایر و تأثیر آنان بر توسعه گردشگری منطقه بررسی شود. نوع تحقیق از نظر روش، توصیفی و تحلیلی است؛ جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌های مختلف و معمول (کتابخانه، مشاهده، مصاحبه، تهیه پرسشنامه و...) انجام و به شیوه SPSS به تحلیل و بررسی داده‌ها پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی:

گردشگری عشایری، زنان، عشایر، ایل سنگسر.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (rheozdaa\_1380@yahoo.com).

## واژگان سنجش اوقات شبانه‌روز در تاریخ بیهقی و پیگیری رد پای این اصطلاحات در زبان فارسی میانه

خندان گردان<sup>۱</sup>

تاریخ بیهقی یکی از متون نثر فارسی است که در حدود یک‌هزار سال پیش نگاه شده و با توجه به همزمانی نسبی زمان تألیف و نیز ارزشی که برای زبان فارسی دارد، برخی از محققان آن را معادل شاهنامه فردوسی اما به نثر می‌دانند. تا کنون همواره میان تاریخدانان و اهالی ادبیات فارسی بر سر اینکه «تاریخ بیهقی تاریخ است یا ادبیات؟» بحث بوده‌است؛ اما جای آن دارد که علاوه بر این دو زمینه، از منظر زبان‌شناسی هم پژوهش‌های بیشتری بر این اثر ارزشمند انجام شود. مقاله حاضر قصد دارد به روش مطالعه توصیفی و تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی واژه‌های سنجش اوقات شبانه‌روز در تاریخ بیهقی بپردازد. در تاریخ بیهقی، در نبود ساعت برای نسبت دادن عدد به اوقات شبانه‌روز، گاه‌های مختلف شبانه‌روز با اصطلاحات و عباراتی برگرفته از زندگی روزمره همچون خروسخوان و چاشتگاه یا برگرفته از پس‌زمینه‌ای دینی و مذهبی نظیر نماز پیشین، نماز دیگر و... مشخص می‌شوند. مقاله حاضر به بررسی این اصطلاحات پرداخته و کوشیده‌است با پی گرفتن رد پای چنین اصطلاحاتی در نوشته‌های ایران پیش از اسلام، پیشینه به کارگیری هر یک از این اصطلاحات و همچنین به تقریب، ساعاتی از شبانه‌روز را که این عبارات در بر می‌گیرند، تبیین نماید.

### واژگان کلیدی:

اوقات شبانه‌روز، بیان زمان، تاریخ بیهقی، سنجش وقت، فارسی میانه.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (Kh.gordan@ut.ac.ir).

## واقعیتها و فرضیات؛ فرصتها و چالشهای ایران‌شناسی در جهان امروز آنچه که هست، آنچه که می‌تواند باشد

مجید تفرشی<sup>۱</sup>

با هر معیار و محاسبه‌ای، ایران‌شناسی در جهان امروز در وضعیت مناسب و مطلوبی به سر نمی‌برد. واکاوی ابعاد کنونی این وضعیت نامطلوب که تناسبی با اهمیت و اعتبار واقعی ایران‌شناسی ندارد، نیازمند توجه گسترده و عمیق به معضلات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ابعاد مختلف علمی، پژوهشی، سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و اقتصادی است. بررسی وضعیت کنونی ایران‌شناسی در جهان امروز، بدون واکاوی پیشینه ایران‌شناسی ممکن نیست؛ همچنان که یافتن راهکارها و رهیافتهای راهبردی برای برون‌رفت از وضع موجود، بدون درک و تحلیل وضع کنونی آن ممکن نیست. در این گفتار، نویسنده به‌مدد بیش از چهار دهه تلاش در مقولات مختلف ایران‌شناسی و بیش از سه دهه کوشش و حضور مستقیم در مراکز ایران‌شناسی فرا و ورای مرزهای ایران، تلاش دارد تا ضمن نگاهی به گذشته و واکاوی وضع موجود به بیان رهکارهایی واقع‌بینانه برای بهبود کمی و کیفی ایران‌شناسی در جهان امروز بپردازد.

### واژگان کلیدی:

ایران‌شناسی، پیشینه، معضلات، راهکارها، فرصتها، چالشها.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری تاریخ؛ پژوهشگر اسناد و تاریخ معاصر ایران (mtafreshi@gmail.com).

## واکاوی جلوه‌های درماندگی آموخته‌شده در ایران دوره مغول بر اساس دیدگاه مارتین سلیگمن و با تمرکز بر تاریخ جهانگشای

علی صادقی منش<sup>۱</sup>

طبق دیدگاه مارتین سلیگمن، بنیان‌گذار روان‌شناسی مثبت‌گرا، آن‌گاه که فرد به سبب شرایط ویژه‌ای که از سرگذرانده‌است، میان کوشندگی و پیشرفت و رهایی از رنج، ارتباطی نمی‌بیند و تن به درماندگی می‌دهد، دچار حالتی شده که آن را درماندگی آموخته‌شده می‌نامند. این حالت گاه به سبب یک بحران بزرگ در میان یک جامعه رواج می‌یابد. یکی از شرایط بحرانی که ایرانیان دچار آن گشتند، هجوم مغول در قرن هفتم هجری بود. در این پژوهش با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی تاریخ جهانگشای جوینی بر اساس دیدگاه سلیگمن می‌پردازیم. واکاوی این شرایط می‌تواند به درک دقیق‌تر علل تداوم سلطه درازمدت مغولان و پس از آن ایل‌خانان بر ایران این دوره بینجامد. در متن تاریخ جهانگشای می‌توان نمونه‌هایی یافت که نشان از یک درماندگی آموخته‌شده در ایرانیان این عصر دارد؛ علت این درماندگی، فشار استبداد و شرایط نامتعادل و غیر قابل پیش‌بینی‌ای است که در اثر هجوم مغول بر ایران حاکم شده و ایرانیان را دچار گونه‌ای درماندگی و نومیدی از رهایی کرده‌است.

### واژه‌های کلیدی:

هجوم مغول، ایران، درماندگی آموخته‌شده، سلیگمن، تاریخ جهانگشای جوینی.

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir).

## واکاوی کارکردهای «مطالعات فرهنگی» در رشد و بالندگی مطالعات ایران‌شناسی

مهیار علوی مقدم<sup>۱</sup>

فرهنگ مفهومی میان‌رشته‌ای است و با رشته‌ها، دانش‌ها و رویکردهای گوناگون و نیز با حوزه‌های بینافرهنگی در پیوند است. وظیفه اصلی فرهنگ، سازمان‌دهی جهان پیرامون انسان به گونه‌ای ساختارمند است. فرهنگ در هر جامعه‌ای ساختارها را به وجود می‌آورد و از راه ایجاد فضایی اجتماعی پیرامون انسان، زندگی اجتماعی و در اجتماع، زندگی کردن را برای انسان ممکن می‌کند. فرهنگ الگوهایی از شناخت بشری را در بر می‌گیرد و دربردارنده باورهایی عملی است که جامعه به کمک آنها می‌تواند موقعیت وجودی خویش را تجربه و تفسیر کند و به آن معنا بخشد. موضوع اصلی «مطالعات فرهنگی» افزون بر این گونه جستارها، واکاوی مفهوم فرهنگ به مثابه یک «متن»، پدیده‌های فرهنگی و پیوندهای بینافرهنگی است و دو دریچه فراروی پژوهشگر می‌گشاید: ۱) «عناصر فرهنگی» شامل خرده‌فرهنگ‌ها (عناصر فرهنگی در یک منطقه، اقلیم و یا در یک ناحیه)، کلان‌فرهنگ‌ها (عناصر فرهنگی در سطحی گسترده، در یک سرزمین و یا یک کشور)، روابط بینافرهنگی (پیوندهای فرهنگی در حوزه خرده-فرهنگ‌ها، کلان‌فرهنگ‌ها و در سطح اقلیمی، ملی و جهانی)، فرهنگ ملی (مفاهیم فرهنگی در سطح ملی و در یک کشور و سرزمین)، فرهنگ جهانی (مفاهیم فرهنگی در سطح گسترده جهانی) و ۲. «مفاهیم بنیادین فرهنگی» شامل هویت، دوری گزیدن از تعصبات قومی و نژادی، مبارزه با خودبرتربینی فرهنگی، تعامل فرهنگی، گفتگوی ملت‌ها و تمدن‌ها، صلح جهانی و... مطالعات ایران‌شناسی، در سطح گسترده‌ای با «عناصر فرهنگی» و «مفاهیم بنیادین فرهنگی» در پیوند است و اگر بناست در راستای رشد و بالندگی مطالعات ایران‌شناسی گام برداریم، راهی جز بهره‌مندی از مطالعات فرهنگی و دریچه‌های این گونه مطالعات و نیز رویکردهای جدید مطالعاتی از این دست نداریم.

**واژه‌های کلیدی:** مطالعات ایران‌شناسی، مطالعات فرهنگی، عناصر فرهنگی، مفاهیم بنیادین فرهنگی.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (m.alavi.m@hsu.ac.ir).



## واکاوی موسیقی در ایران با کندکاو در موسیقی نواحی

سهیلا آقائی شوکی<sup>۱</sup>

غم و شادی جلوه‌های متفاوت زندگی همه جوامع انسانی هستند و قطب‌نمای شناخت فرهنگ‌ها در جهان به شمار می‌روند. در این میان موسیقی در کسوت جلوه‌های ذکر شده از شادی‌های دسته‌جمعی گرفته تا یک ترانه محزون نواحی، در کنار ریشه‌های اقلیمی و یا آیینی، نشانی از خاطرات تلخ و شیرین اجتماعات انسانی است. از این نگاه در واقع در دل لبخندها و نواهای شورانگیز و حتی حزن‌آلود، شکرانه یک جامعه نسبت به نعمت‌های پروردگار نهفته است. در فرهنگ ما ایرانیان نیز، چه از میراث ایران باستان و چه در آنچه بعد از اسلام از آئین تازه آموختیم، این نگاه متعالی بر شادایانه‌ها و اجزای آن، شامل نواها و موسیقی محلی و ترانه‌ها و رسوم میدانی‌مان و حتی لالایی‌های غم‌انگیز مادران این سرزمین، حاکم است و از این رو موسیقی، فرصتی است برای رجعت به فطرت و منبع نور و سرور؛ همان پروردگار بزرگ صاحب نعمت. پژوهش حاضر با گردآوری اطلاعات از منابع مکتوب و شکل‌دهی به آنها و همچنین چینه‌داده‌های موجود با بهره‌گیری از روایات منابع داخلی، بر آن است تا ضمن مروری بر پیشینه موسیقی در ایران، با کندکاو اجمالی موسیقی نواحی ایران را نیز مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گرچه برخی از جنبه‌های موسیقی ایرانی در برخی از مقاطع تاریخ با فراز و فرودهای طی کرده از هدف بنیادی خویش دور گشته یا کمتر مورد عنایت بوده است اما در نهایت شادایانه‌ها و همچنین ترانه‌های حزین ایرانی و اسلامی این سرزمین به هویت اصلی خودش که نیایش و دستگیری و همدلی بوده، بازگشته و در دوران جدید نیز یک فرهنگ فراگیر و مایه مباهات ایرانیان است.

**واژگان کلیدی:** ایران، جشن، سازها، مقام‌ها، موسیقی، موسیقی نواحی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (Aghaei.s2254@gmail.com).

## واکاوی نسبت شاهنامه فردوسی و هویت ایرانی از دیدگاه ساختارگرایی

سید موسی دیباج<sup>۱</sup>، عباس نامدار<sup>۲</sup>

در اهمیت جایگاه شاهنامه فردوسی نزد ایرانیان همین بس که آن را قرآن عجم دانسته‌اند. در این پژوهش پس از بیان مقدماتی درباره ساختارگرایی، جایگاه شاهنامه و هویت ایرانی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. ساختارگرایی هویت را امری برساخته می‌داند و نیز بیان می‌کند که آنچه در ظاهر دیده می‌شود، اصل نیست، بلکه زیربنایی ناخودآگاه و اصیل وجود دارد که باید از زاویه بیرونی و علمی نگریسته شود و هدف از این پژوهش واکاوی و پاسخ دادن به این پرسش خواهد بود که آیا از دیدگاه ساختارگرایانه بین شاهنامه و هویت ایرانی پیوندی وجود دارد یا نه؟ روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج واکاوی نشان می‌دهد که شاهنامه و هویت ایرانی در پیوند عمیق هستند، که این ما را شناخت و معرفت بهتری از هویت ایرانی رهنمون می‌سازد؛ و از آنجا که ساختارگرایان بیان می‌کنند که تداوم هویت نیاز به مراقبت و نگهداری دارد، بنابراین توجه به شاهنامه می‌تواند ضامن حفظ هویت ایرانی باشد.

### واژگان کلیدی:

شاهنامه فردوسی، هویت ایرانی، واکاوی، ساختارگرایی.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تهران، تهران، ایران (musadibadj@ut.ac.ir).

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (ab.namdar@gmail.com).

## Georgian Iranists' Interest in Persian Historical Sources and Iranian History

Maia Kapanadze<sup>1</sup>

Iranian studies are one of the old directions in Georgian. Georgian Iranists showed interest and translated from Persian into Georgian not only Persian poetry, but also Persian historical sources. Georgia has always shown great interest in Persian historical sources and the history of Iran. Persian historical sources have been intensively translated into Georgian for almost a century. Historical writings of Juvein, Haji Mehdi Quli Qajar, Iskander Monshi, Mohammad Taher and other Iranian historians have been known to Georgian scientists for a long time, which contain interesting and important information not only about Iran but also about Georgia. The translation of these and other historical sources into the Georgian language gives Georgian scholars the opportunity to work better both on individual periods of Iranian history and on Georgian-Iranian relations. In addition to this, it is worth noting the fact that in the libraries of Georgia, there are many Persian documents, which were issued by the Shahs of Iran to the Georgian kings and nobles. These are both monolingual (Persian) and bilingual (Georgian-Persian) historical documents that contain important information about the relations between Georgia and Iran. An important part of these documents has already been translated into Georgian by Makar Khubua, Vladimir Futuridze, Magali Todua, Nugzar Dundua and is known to Georgian researchers. In addition to the translation of Persian-language documentary and narrative sources into Georgian, the creation of scientific works on separate periods of Iran's history is intensively underway in Georgia. In Georgia, the history of Iran is being researched from the Achaemenid period to the present day. Separate periods of Georgian-Iranian relations are also interesting for Georgian researchers. Accordingly, scientific papers are created in this direction as well.

**Keywords:** history, sources, Iranistics, period, interest, relations.

---

<sup>1</sup> Doctor of Historical Sciences; Associate Professor, Caucasus International University, Faculty of Social and Humanitarian Sciences, Tbilisi, Georgia (maiakapanadze@gmail.com)

## Persian manuscripts copied in Tbilisi and codicological and source studies analysis of P-260

Khatuna Baidurashvili<sup>1</sup>

There are centuries-old relations between Georgia and Iran. These contacts included not only the political but also the cultural spheres of these two countries. Since the 16<sup>th</sup> century, due to the strengthening of the Iranian influence, Iranian residents have multiplied in Tbilisi, and centres of their culture have also appeared. Therefore, various Persian manuscripts were accumulated and also created in Tbilisi.

773 Persian manuscript books are preserved in the oriental repository of the Georgian National Center of Manuscripts. The Persian manuscript book fund is represented by three collections: 1. PK – Qajar collection, 2. PAC – Central Asian collection and 3. PL – local collection, which preserves Persian manuscript books found in Georgia, namely in Tbilisi.

Persian manuscripts are diverse in terms of their subject. There are history, literature, poetry, religion, philosophy, ethics, etc. Their study in different directions such as historical, source studies, codicological, textological and art studies is ongoing.

The purpose of our research is codicological, textological and source-scientific analysis of books of historical content copied and written in Tbilisi; Presenting the purpose of rewriting the manuscripts. Establishing the identity of those Iranian scholars who worked in Tbilisi and by whom many books of "History of Iran" were copied or written.

Until now we had no information about the Persian "scriptorium" in Tbilisi and due to this fact, this issue was not the subject of a special study, and a complex study of these Persian manuscript books transcribed in Tbilisi was not carried out. The research on the mentioned issue is interesting and important in many ways, both from historical and source knowledge, as well as codicological, textological and culturological points of view.

Our report and presentation will present the "Iranian stories" transcribed in Tbilisi, and we will pay special attention to the results of the codicological and source knowledge research of the manuscript book P-620, which is "Tarikh-e Nader" of Mehdi Khan Astarabadi, the historian of Nader Shah, copied by Abd-Allah al-Khorasani in Tbilisi at the turn of the 18<sup>th</sup>-19<sup>th</sup> centuries.

---

<sup>1</sup> Doctor of History; Senior Scientific Employee at Korneli Kekelidze, Georgian National Center of Manuscripts (baidurashvilikhatuna@yahoo.com)

## ریز برنامه کنگره

تالار فردوسی	آیین گشایش
<b>پیش‌برنامه</b>	
تلاوت قرآن کریم و همخوانی سرود ملی ایران	
اجرای نقالی از شاهنامه فردوسی: <b>خانم باران نیک‌اندیش</b>	
تک‌نوازی سنتور: <b>خانم کیانا قلم‌بر</b>	
<b>سخنرانی‌های گشایش</b>	
<b>آقای دکتر محمود جعفری دهقی</b>	
رئیس و دبیر علمی کنگره و رئیس انجمن ایران‌شناسی ایران	
<b>آقای دکتر اصغر دادبه</b>	
چهره ماندگار ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی ایران	
<b>خانم دکتر زهره زرشناس</b>	
نایب رئیس انجمن ایران‌شناسی ایران	
<b>محمدعلی عزت‌زاده</b>	
دبیر اجرایی کنگره و دبیر انجمن ایران‌شناسی ایران	
<b>پذیرایی</b>	

<b>نشست تخصصی ۱ مباحث نظری و فرهنگی در ایران‌شناسی (۱) تالار فردوسی</b>	
<b>رئیس نشست: آقای دکتر محمود جعفری دهقی</b>	
<b>آقای دکتر مجید تفرشی</b>	
واقعیات و فرضیات؛ فرصتها و چالشهای ایران‌شناسی در جهان امروز	
<b>آقای دکتر مهیار علوی مقدم</b>	
واکاوی کارکردهای مطالعات فرهنگی در رشد و بالندگی مطالعات ایران‌شناختی	
<b>آقای دکتر آندرانیک سیمونی</b>	
دوران‌های شکل‌گیری مشترکات و تأثیرات ایرانی-ارمنی در پهنه‌های باورها، آداب و سنن، تاریخ، زبان و ادبیات	
<b>آقای دکتر امیر رضائی پناه</b>	
تحلیل گفتمان جریان‌ها و نهادهای ایران‌شناسی غرب	
<b>آقای دکتر محمود فیروزی مقدم</b>	
بررسی اشعار گویشی تربت حیدریه و جایگاه آن در بازشناسی ارزش‌های ادبی، فرهنگی و اجتماعی ایران	
پرسش و پاسخ و جمع‌بندی رئیس نشست	

نشست تخصصی ۲	مطالعات زبانی در ایران‌شناسی	تالار حافظ
رئیس نشست: آقای دکتر محمد زیار		
خانم دکتر خاتونا بایندوراشویلی <b>Dr. Khantuna Baidurashvili</b> Persian manuscripts copied in Tbilisi; codicological and source studies analysis of P-260		
خانم دکتر سیما فولادپور انگاره خانواده در باورها و داستان‌های مانوی		
خانم دکتر گل‌بخت خدای‌برگنوا <b>Dr. Gulbahyt Kodaibergenova</b> شاه کریم و ادبیات ایران		
پرسش و پاسخ و جمع‌بندی رئیس نشست		

نشست تخصصی ۳	ایران‌شناسی و مطالعات تاریخی (۱)	تالار خیام
رئیس نشست: خانم دکتر مژگان اسماعیلی		
آقای دکتر یعقوب فولادی تنگستانی از شاهنامه تا قلعه شاه مسغون؛ نگاهی به داستان فتح کوه‌قلعه کیسگان		
خانم دکتر مایا کاپانادزه <b>Dr. Maia Kapanadze</b> Georgian Iranists' interest in Persian historical sources of Iranian history		
آقای دکتر رجبعلی علیزاده و خانم دکتر روشک جهانی نقد دیدگاه آمورتی در مقاله مذهب در عصر صفوی از منظر مطالعات تاریخ ادیان		
آقای دکتر رضا پارسا مقدم صورت‌بندی گفتمانی هویت ایرانی در تاریخ‌نگاری و متون ایران‌شناسانه محمدباقر مؤمنی		
خانم دکتر منصوره اتحادیه و خانم مژگان مداحی تحلیل محتوایی روزنامه وقایع اتفاقیه در زمینه بهداشت		
پرسش و پاسخ و جمع‌بندی رئیس نشست		

ناهار

استراحت و نماز

<p>نشست تخصصی ۴</p> <p>تالار فردوسی</p>	<p><b>ایران‌شناسی و مطالعات تاریخی (۲)</b></p> <p>رئیس نشست: <b>آقای دکتر مهیار علوی مقدم</b></p>
<p><b>خانم دکتر مژگان اسمعیلی</b></p> <p>نقش تاریخ در مطالعات ایران‌شناسی</p>	
<p><b>آقای دکتر احسان قبول، آقای دکتر عبدالله رادمرد و خانم تکتیم عابدی</b></p> <p>بررسی تصاویر اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی اقوام مختلف در سفرنامه ابن فضلان</p>	
<p><b>خانم دکتر الهام ملک‌زاده</b></p> <p>مروری بر فعالیت‌های خیره (رفاهی - بهداشتی) خارجی در ایران - مطالعه موردی: دوره پهلوی</p>	
<p><b>آقای دکتر جواد شجاعی</b></p> <p>ارزیابی نقش مانکجی لیمچی هاتریا در جریان تاریخ‌نگاری محلی ایران در عصر ناصری</p>	
<p>نشست تخصصی ۵</p> <p>تالار حافظ</p>	<p><b>مباحث نظری و فرهنگی در ایران‌شناسی (۲)</b></p> <p>رئیس نشست: <b>آقای دکتر پیام شمس‌الدینی</b></p>
<p><b>آقای دکتر سیروس فیضی</b></p> <p>سرمايه گذاري در هويت ايراني؟</p>	
<p><b>آقای دکتر رضا ذیحی</b></p> <p>بازنگری در حدود و ثغور علم ایران‌شناسی؛ ضرورتها، الزامات و چگونگی</p>	
<p><b>آقای دکتر غلام‌حیدر ابراهیمی‌سلاهی</b></p> <p>ایران‌شهر و مسئولیت ایرانی بودن</p>	
<p><b>آقای دکتر سید موسی دیباج و آقای عباس نامدار</b></p> <p>واکاوی نسبت شاهنامه فردوسی و هویت ایرانی از دیدگاه ساختارگرایی</p>	
<p><b>آقای دکتر علی‌اکبر مسگر و خانم سارا اخروی</b></p> <p>رشته ایران‌شناسی؛ یک بررسی انتقادی</p>	
<p>نشست تخصصی ۶</p> <p>تالار خیام</p>	<p><b>ایران‌شناسی و پژوهشهای هنر، معماری و ادبیات</b></p> <p>رئیس‌ان نشست: <b>خانم دکتر فریبا افکاری و محمدعلی عزت‌زاده</b></p>
<p><b>خانم دکتر فریبا افکاری و خانم مهندس مرجان دهقانی‌پور</b></p> <p>کاغذ ابری؛ از ابداع تافنون ساخت و کاربرد در کتاب‌آرایی</p>	
<p><b>خانم مهندس سمیه حمیدی و خانم زینب عبوضی</b></p> <p>بازتاب عناصر هویت ایرانی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای؛ با بررسی آثار گداعلی عباسی و منصور عباسی</p>	
<p><b>خانم افسانه احمدی‌نژاد</b></p> <p>معرفی و بررسی سبک‌شناختی کتاب «عقیده ولتر در باب ایران و هند»</p>	
<p><b>خانم مهندس ندا تاکی</b></p> <p>بازنمایی معماری ایران دوره غزنوی در تاریخ بیهقی</p>	

نشست تخصصی ۷ **مطالعات هویتی و فرهنگی در ایران‌شناسی** تالار فردوسی

رئیس نشست: **آقای دکتر آندرانیک سیمونی**

**آقای دکتر علیرضا قیامتی**

مقایسه شاهنامه با ایلیاد و اودیسه در پاسداشت هویت ملی

**آقای مجید کریمی یزدی**

جایگاه جمشید پادشاه پیشدادی در دیوان غزلیات حافظ شیرازی

**آقای دکتر سعید طرزمی**

بررسی ارتباط شعر فارسی با مفهوم هویت ملی ایرانی در آذربایجان

نشست تخصصی ۸ **مطالعات تطبیقی در ایران‌شناسی** تالار حافظ

رئیس نشست: **خانم مینا جاویدان**

**آقای دکتر کامروز خسروی جاوید**

کندوکاوی در اثرگذاری حماسه گرشاسب بر شمشون عبرانی

**خانم یاسمن غنی**

بررسی صحت تاریخی واقعه پوریم از دیدگاه موافقان و مخالفان

**آقای دکتر پیام شمس‌الدینی**

ادبیات تطبیقی؛ بال دیگر مطالعات ایران‌شناختی - پژوهش موردی: بررسی کارنامه علمی دکتر طهمورث ساجدی

**آیین پایانی** تالار فردوسی

خنیاگری ایرانی: **آقای میر علی اکبر حجازی**

سخنرانی عضو پیش‌کسوت هیأت مدیره انجمن ایران‌شناسی ایران

**آقای مهندس محمدرضا سبحان**

جمع‌بندی علمی نخستین کنگره ملی ایران‌شناسی ایران

**محمدعلی عزت‌زاده**

قرائت بیانیه نخستین کنگره ملی ایران‌شناسی ایران

**آقای زمان رضاخانی**

ترسیم چشم‌انداز آینده کنگره ملی ایران‌شناسی ایران و آیین سپاس و قدردانی

**آقای دکتر محمود جعفری دهقی**



# فخستين كنگره ملي ايران شناسي ايران



انجمن ايران شناسي ايران  
تأسيس ۱۳۲۵ - شماره ثبت: ۵۹

## حاميان علمي و فرهنگي

پاينگاه استنادي علوم جهان اسلام  
پاينگاه مرجع علمي سيويليكا

دانشگاه تهران  
خانه انديشمندان علوم انساني

## حاميان مالي

مهندس عبدالوهاب پاك

مهندس مسعود نيكخواه  
دكتور سيد شهاب الدين قرشي  
مهندس مجيد تهراني آزاد  
مهندس سيد روزه شيوايي

دكتور علي قندي  
دكتور سيد محمد حائري حسيني  
مهندس حسن فرقاني  
دكتور علي كاشاني فريد





Sponsored and Indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect the Science

انجمن ایران شناسی ایران برگزار می کند



# نخستین کنگره ملی ایران شناسی ایران

## محورهای همایش:

- ارزیابی مکاتب ایران شناسی و ایران شناسان ایران و جهان
- ایران شناسی و زبانها و گویشهای ایرانی
- ایران شناسی و متون ادب فارسی
- ایران شناسی و جغرافیا
- ایران شناسی و تاریخ ایران
- ایران شناسی و هویت ایرانی
- ایران شناسی و فرهنگ
- ایران شناسی و مطالعات اجتماعی
- ایران شناسی و محیط زیست
- ایران شناسی و باستان شناسی
- ایران شناسی و هنر و معماری معاصر
- ایران شناسی و ادبیات تطبیقی

دبیر علمی:

دکتر محمود جعفری دهقی

دبیر اجرایی:

محمدعلی عزت زاده

خانه اندیشمندان علوم انسانی

تهران خیابان نجات الاهی (ویلا)

نبش خیابان ورشو

پنج شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

ساعت ۹ تا ۱۹

وبگاه انجمن: [anjomaneiranshenasi.ir](http://anjomaneiranshenasi.ir)

وبگاه کنگره: [iranshenasicongress.ir](http://iranshenasicongress.ir)

ایمیل دبیرخانه کنگره: [congress@anjomaneiranshenasi.ir](mailto:congress@anjomaneiranshenasi.ir)

